

وضعیت اوقاف در دوره قاجار

با تکیه بر قوانین مجلس و شکایات واقفان اصفهانی^۱

عطیه سادات طباطباییان*

چکیده

تاریخ اوقاف در ایران، پر از وقایع و اتفاقاتی است که نشان می‌دهد چگونه سنت وقف، به صورت یک نظام اجتماعی و تشکیلاتی، تداوم و گسترش یافت. این نظام ایفاگر نقش‌ها و وظایف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و مدنی بود و از مظاهر پیشرفت و گسترش رفاه عمومی جامعه به‌شمار می‌آمد.

در این زمینه، ویژگی‌های تاریخی نظام وقف از زوایای مختلف می‌توان بحث کرد و درباره هر یک از ابعاد آن در روند تغییر و تحول، تحلیل‌های گوناگونی ارائه داد.

ساختار نظام تشکیلاتی اوقاف در عصر قاجار به دو دوره تقسیم می‌گردد: دوره اول که بیشتر تحت اداره روحانیان بود، تداوم سنن تشکیلاتی دوران پیشین است؛ اگرچه در زمان تصدی وزارت اوقاف توسط سپه‌سالار، اقداماتی برای به کنترل درآوردن اوقاف صورت گرفت. دوره دوم به سال‌های پس از ۱۳۲۸ قمری و تصویب قانون اوقاف و معارف کشور مربوط است که تلاش‌هایی برای قانون‌مند کردن نظام وقف و استفاده از عواید موقوفات برای توسعه معارف کشور صورت گرفت و در واقع پایه‌های نهادینه شدن اوقاف در دوره دوم مجلس پی‌ریزی گردید.

واژگان کلیدی

وقف، قوانین مجلس، وزارت اوقاف و معارف، قاجار، اصفهان.

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۳/۱۵ تاریخ تصویب: ۱۳۸۹/۸/۲۸

* کارشناس ارشد تاریخ ایران دوره اسلامی، دانشگاه آزاد واحد نجف‌آباد.

سنت وقف در ایران پیش از اسلام، تا حدی در جامعه گسترش داشت. یکی از اسباب قدرت روحانیان زرتشتی، داشتن املاک و ثروت هنگفتی بود که از طریق اخذ جرایم دینی، عشریه و صدقات (که همان وقف است) به دست می آمد. روحانیان زرتشت به دلیل همین ثروت هنگفت، در برابر دولت مرکزی استقلال داشتند و در واقع دولتی در دولت تشکیل داده بودند. با ورود اسلام نیز این سنت حسنه ادامه یافت. در کتاب‌های تاریخی و سیره نبوی آمده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درآمد یا محصول باغ‌های هفت‌گانه «اعواف، دلال، برقه، میثب، حُسنی، صافیه و مشربه» را وقف نیارمندان کردند. این باغ‌ها را مخیریق^۱ در اختیار آن حضرت قرار داده بود. تولیت این باغ‌ها را پس از پیامبر صلی الله علیه و آله فاطمه زهرا علیها السلام به عهده گرفتند. سپس طبق وصیت ایشان به امام علی علیه السلام، بعد امام حسن علیه السلام و سپس امام حسین علیه السلام و سپس به اولاد ارشد سپرده شد تا هزینه کنند.^۲

نظام دیوانی اوقاف در ایران اسلامی نیز دارای تشکیلات اداری مهمی بوده اما این تشکیلات در همه دوران‌ها از نظر اهمیت و گستردگی یکسان نبوده است. در دوره صفویه، نظام تشکیلاتی اوقاف از مقام‌های با نفوذ مملکتی محسوب می‌گشت و موقوفات بسیار گسترده‌ای در سراسر کشور پدید آمد. در حمله افغان‌ها، بسیاری از دفاتر ثبت موقوفه‌ها از بین رفت و در دوره افشاریه، به دلایل سیاسی، به نظام تشکیلاتی آن فرصت تجدید حیات داده نشد و این روند در دوره قاجار ادامه یافت.

در این مقاله سعی شده تا شمه‌ای از تاریخچه نظام تشکیلاتی اوقاف و روند تکاملی آن تا پیش از قاجار آورده شود. وضعیت اوقاف در دوره قاجار و روند تشکیلات دیوانی آن به دو دوره تقسیم می‌شود:

نظام وقف در دوره قبل از تأسیس وزارت اوقاف و دگرگونی‌های اداری مرتبط با آن، دارای آشفتگی‌های برجای مانده از دوران پیشین بود. پس از تأسیس وزارت اوقاف و

۱. از روحانیان یهود بنی‌نضیر بود که در سال اول هجرت به پیامبر ایمان آورد. او مرد ثروتمندی بود که باغ‌ها نخل فراوان داشت و وصیت کرد اگر در جنگ احد کشته شود، تمام اموالش در تصرف رسول خدا قرار گیرد. زمانی که در جنگ به شهادت رسید، پیامبر درباره او فرمود: "مخیریق خیر یهود: او بهترین یهودی است." ابن اثیر، *الکامل فی التاریخ*، جزء ثانی (جلد دوم)، ص ۵۰ - ۵۱.

۲. ضیاء‌الدین الریس، *خراج و نظام‌های مالی دولت‌های اسلامی* (از آغاز تا نیمه دوم قرن سوم ق)، ص ۹۱؛ هادی عالم‌زاده، «نخستین موقوفه در اسلام»، *وقف میراث جاویدان*، ص ۴۴ - ۴۵؛ حافظ نجفی، «وقف در سیره معصومین»، *وقف میراث جاویدان*، ص ۵۵ - ۵۸.

معارف در سال ۱۳۲۸ قمری، تلاش‌هایی در جهت قانون‌مند کردن اوقاف و سر و سامان بخشیدن به موقوفات کشور صورت گرفت. مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی که دربرگیرنده پنج دوره از دوران قانون‌گذاری در عصر قاجار است، جهت‌گیری‌های سیاسی و تشکیلاتی نمایندگان مجلس درباره اوقاف کشور را نشان می‌دهد. مهم‌ترین منبع ما در مورد قوانین وزارت اوقاف و نظام تشکیلاتی آن در دوره قاجار، مشروح مذاکرات مجلس است که مرکز اسناد و موزه مجلس شورای اسلامی، در برنامه‌ای نرم‌افزاری، تهیه کرده است. همچنین تلاش شده تا با بازخوانی و تحلیل اسناد منتشر نشده موجود در سازمان اسناد و مدارک ملی ایران، در مورد شکایات واقفان شهر اصفهان و نابه‌سامانی اداره موقوفه‌ها، نگاهی نو مرتبط با موضوع بحث داشته باشیم.

ساختار تاریخی نظام وقف از لحاظ اجتماعی، اقتصادی و تشکیلاتی

تاریخ اوقاف در ایران، مشحون از وقایع و اتفاقاتی است که نشان می‌دهد چگونه سنت وقف، به صورت یک نظام اجتماعی و تشکیلاتی، تداوم و گسترش یافت. این نظام، ایفاگر نقش‌ها و وظایف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و مدنی بوده و از مظاهر پیشرفت و گسترش رفاه عمومی جامعه است. در این زمینه، درباره ویژگی‌های تاریخی نظام وقف از زوایای مختلف می‌توان بحث کرد و درباره هر یک از ابعاد آن در روند تغییر و تحول، تحلیل‌های گوناگونی ارائه داد. اما آنچه در این جا اهمیت دارد، بحث درباره اصول کلی و اساسی است که زمینه‌های تاریخی و اجتماعی پیدایش وقف و گسترش ایفای نقش مطلوب آن را فراهم کرده است. با ارائه ویژگی‌های کلی و ضوابط اصولی وقف از دیدگاه تاریخی، از عوامل مثبت و دست‌آوردهای آن می‌توان استفاده کرد و از نقاط منفی پرهیز نمود. بنابراین در این مبحث، به دو بخش اساسی و کلی می‌پردازیم:

الف) ویژگی‌های اجتماعی - اقتصادی و اداری اوقاف

مهم‌ترین ویژگی‌های اجتماعی وقف از دید تاریخی عبارتند از:^۱

۱. طبقاتی نبودن: از بارزترین ویژگی‌های اجتماعی وقف است. عمل به این سنت، همواره به همه قشرهای جامعه تعلق داشته و در انحصار طبقه‌ای خاص نبوده است.

۱. سیدجواد، امام جمعه‌زاده، «نقش وقف در بهبود اوضاع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی»، وقف میراث جاویدان، ص ۷۳-۷۴.

۲. هم‌بستگی اجتماعی: مسئولیت‌های متقابل و هم‌بستگی اجتماعی که به منظور رفع نیازهای ضروری طبقات محروم و صاحبان نیازهای خاص (یتیمان، زنان بیوه، پیران، آوارگان، قربانیان حوادث) و نیز ثروت‌مندان رخ داده است.

۳. تحقق عدالت اجتماعی: نظام وقف، یکی از مکانیزم‌های عدالت اجتماعی و وسیله‌ای صلح‌آمیز به منظور توزیع مجدد درآمد، بدون هر گونه اجبار و مداخله قدرت سیاسی به شمار می‌آید. وقف روی کردی است که بدون هرگونه اختلاف، درگیری و نارضایتی، انتقال ثروت را در پی دارد و ترمزی بر تکاثر و جهشی به سوی رهایی بینوایان از فقر به‌شمار می‌آید.

۴. سهیم بودن در ساختار نظام تأمین اجتماعی: وقف متناسب با شرایط زمانی حرکت می‌کرد و پاسخ‌گوی نیازهای همان دوره نیز بود. در وقف تبدیل مالکیت خصوصی به مالکیت عمومی و امور عام‌المنفعه مطرح است. که مسائل بهداشتی، آموزش، خوراک و پوشاک، مسکن و غیره را شامل می‌شود.

از نظر اقتصادی نیز در اوایل شکل‌گیری اوقاف، تنها مستغلات ساخته شده جزء موقوفات بودند، اما به مرور زمان و در اثر بروز تحولات اجتماعی و سیاسی در جوامع و تغییر حوزه‌های مالکیتی از دولتی به فردی، زمین‌های کشاورزی نیز داخل حوزه موقوفات شدند. علاوه بر این، مستغلات زیادی از قبیل مغازه‌ها و اماکن تجاری، ابزارهای مختلف تولیدی مانند آسیاب‌ها، حمام‌های عمومی، قهوه‌خانه‌ها، پول‌های نقد و مستمری‌های مقرر دولتی، جزء موقوفات گردیدند. هم‌چنین نقش اقتصادی اوقاف در موارد ذیل قابل توجه است:^۱

نخست، وجود شیوه‌های متعدد و تنوع بهره‌بری اقتصادی از اموال موقوفه مانند بهره‌برداری زراعی، فعالیت‌های تجاری، مشاغل حرفه‌ای و صنعتی.

دوم، انعطاف‌پذیری و توانایی پاسخ‌گویی به نیازها، هم‌زمان و هم‌سو با تغییرات زمان و مکان: وجود چنین انعطافی، عمق ارتباط اوقاف با پایه‌های اولیه جامعه و در رأس آن خانواده، گروه‌های پیشه‌وری، حرفه‌ای و مذاهب صوفیه را نشان می‌دهد که همگی، واحدهای اساسی ساختار نظام اجتماعی محسوب می‌شوند.

سوم، مشارکت در توسعه و گسترش جامعه شهری: با اجرای طرح‌های سرمایه‌گذاری (صندوق قرض‌الحسنه علی و حسین همدانیان)، اقتصادی، اجتماعی و آموزشی.

۱. مصطفی، سلیمی‌فر، وقف و آثار اجتماعی - اقتصادی آن، ص ۱۶ - ۱۸.

چهارم، تقویت اصل موازنه در روند توسعه و مدنیت: از طریق توجه به مناطق نیازمندتر و افرادی که در تأمین نیازهای ضروری زندگی با مشکل مواجه هستند.

پنجم، حمایت از پژوهش‌های علمی: با فراهم کردن امکانات مالی و تضمین استقلال علم که در توسعه فعالیت‌های اقتصادی، به منزله بخشی از اقدامات لازم برای پیشرفت علمی و پژوهش‌های آزاد سهیم بوده است. برای نمونه می‌توان مؤسسه «وقف دراسات‌العلوم الاسلامیه» در کشور ترکیه را نام برد. این مرکز در سال ۱۹۸۵ با هدف تحقیق و مطالعه در تمامی حوزه‌های اسلامی، تربیت دانش‌مندان، تشکیل کتابخانه‌ای بسیار مجهز، فعالیت‌های انتشاراتی و غیره با پشتوانه مالی تأسیس گردید.^۱

هم‌چنین از نظر اداری، با نگاهی تاریخی به بخش اداری اوقاف، مشاهده می‌کنیم که این بخش از نظام وقف نیز در گذر زمان و با گسترش حیطه اوقاف و افزایش نهادهای آن توسعه یافته است. از جمله ویژگی‌های اداری اوقاف، به موارد ذیل می‌توان اشاره کرد:^۲

- رواج شیوه اداره فردی - خانوادگی نظام وقف: اداره موقوفات زیر نظر واقف و پس از او تحت سرپرستی فرزند ارشد یا شخصی قرار گیرد که او بر می‌گزیند و یا ناظری که قاضی انتخاب می‌کند، مشروط بر این‌که شخص ناظر در هر وضعیتی، طبق شروط قید شده در وقف‌نامه عمل کند. به عبارت دیگر، مدیریت خانوادگی بر موقوفه، شیوه رایج اداره امور اوقاف در بسیاری از برهه‌های زمانی بوده است.

- اصل خودگردانی و عدم تمرکز: ملاک کلی اوقاف در اداره امور خود، اصل خودگردانی و عدم ادغام در ادارات دولتی و دوری از تمرکزگرایی بود. موقوفاتی که از این اصل مستثنا می‌شدند تا قبل از انقلاب مشروطه، محدود و موقت بودند و تحت نظارت مستقیم دستگاه قضاوت (دادگاه‌های عرفی یا دولتی در مقابل دادگاه‌های شرعی که در دست روحانیان بود) قرار داشتند.

- حمایت از نهادهای موقوفه با شیوه اداره محلی: هدف از این روش، استفاده از نقاط قوت و سرعت رسیدگی به نیازهای محلی، دوری از تشریفات اداری و مصون ماندن موقوفات از سوءاستفاده مقامات مرکزی بود.

ب) اصول بنیادین نظام وقف

علما و مجتهدان مذاهب فقهی که در اغلب مسائل فرعی مربوط به وقف اختلاف نظر دارند، همگی در این مسأله متفقند که وقف در اصل، عبارت از تقرب به خدا و اطاعت از

۱. سیدمحمدباقر حجتی، «آشنایی با مؤسسه وقف دراسات‌العلوم الاسلامیه»، وقف میراث جاویدان، ص ۶۵ - ۵۸.

۲. محمدعارف نصر، ساختار وقف در جهان اسلام، ص ۵۲۱ - ۵۳۲.

اوست. در اثر تداوم جریان وقف در عرصه اجتماع، نظام وقف رشد کرد و اصول اقتصادی آن گسترش یافت و توانست نقش برجسته‌ای در عرضه خدمات به صورت خودجوش و غیرمتمرکز داشته باشد تا جایی که به قدرت اقتصادی کلان تبدیل شد و هنگام نبود ثبات و امنیت سیاسی و شیوع فساد، برخی از دولت‌ها با دست‌اندازی بر اوقاف، به نفع اغراض خویش سوءاستفاده کردند. از این رو فقها، به منظور مصون ساختن نظام وقف و نهادهای وابسته به آن از تجاوز طمع‌ورزان، سعی نمودند اصول بنیادین و مستقلی پدید آورند تا ضمن حفظ حریم آن، رشد و گسترش وقف را بیش از پیش ممکن سازند. این اصول بر سه پایه استوار است:^۱

۱. احترام به خواست واقف: فقها با حرمت قائل شدن به شروط وقف، حمایتی قوی از اوقاف و نهادهای آن به عمل آورده‌اند. بنابراین هر رقبه باید عیناً به همان مصرفی برسد که واقف علاقه‌مند است نام او در آن خصوص پاینده بماند؛ مگر این‌که چنان مصرفی خلاف شرع و یا اسباب رنج و زحمت باشد.
۲. تعیین نهاد قضاوت به منزله تنها متولی امور اوقاف: در اینجا شامل نظارت بر اوقاف و اقدامات گوناگونی چون: تغییر عین موقوفه به هنگام ضرورت، صدور اجازه برای تغییر برخی از شروط وقف و غیره مهم است. پس از انقلاب مشروطه و سامان گرفتن نهادهای مدنی، این امر به اداره اوقاف و معارف و صنایع مستظرفه محول گردید.
۳. به رسمیت شناختن وقف به عنوان شخص حقوقی: دآوری و صدور حکم له یا علیه وقف‌نامه و موقوفات، نشان می‌دهد که نظام وقف دارای شخصیت حقوقی است.

تاریخچه اوقاف در ایران اسلامی پیش از دوره قاجار

از زمان پیامبر بزرگوار اسلام چند قرن نمی‌گذشت که سطح موقوفات، به طرز شگفت‌انگیزی رو به توسعه نهاد و املاک و مستغلات بزرگ و پردرآمد، یکی پس از دیگری برای خیرات و مبرات عمومی، وقف شد و افراد خیر مدارس، مساجد، بیمارستان‌ها، جذامی‌خانه‌ها، پل‌ها، کاروان‌سراها، بازارها و نظایر آن را برای استفاده عموم به ویژه فقرا وقف کردند. توجه مردم به وقف و گسترش آن، موجب شد که برای اداره امور موقوفه‌ها، تشکیلات منظمی به وجود آید. در ابتدا موقوفه‌ها را خود واقفان و یا متولیان اداره می‌کردند و دولت‌ها دخالتی در اداره اوقاف نداشتند؛ ولی با کثرت موقوفه‌ها و

۱. همو، ساختار وقف در جهان اسلام، ص ۱۲۰ - ۱۲۶.

تطور حیات اجتماعی در جوامع اسلامی، دخالت دولت‌ها در اداره موقوفات را می‌بینیم که از طریق محاسبه و محاکمه متولیان، در صورت کوتاهی در حفظ و نگه‌داری آنها، صورت می‌گرفت.

در حکومت بنی‌امیه اداره مستقلی زیر نظر قاضی مصر، توبه‌بن‌نمر بن حومل حضرمی، در زمان خلافت هشام بن عبدالملک (سال ۱۱۸ق) به منظور اداره اوقاف به وجود آمد. او نخستین شخصی بود که دستور ثبت موقوفه‌ها را در دفتر خاصی صادر کرد. تأسیس «دیوان اوقاف»، به مصر منحصر نشد و به تمام کشورهای اسلامی تعمیم یافت. در دوران قضاوت توبه بن نمر، دیوان اوقاف در شهر بصره نیز بنیان نهاده شد. در این دوره اداره اوقاف در ولایات، بر عهده قاضیانی بود که دولت مرکزی آنان را انتخاب می‌کرد.^۱

در دوره خلفای عباسی که به عصر طلایی تمدن اسلامی شهرت دارد، رقبات موقوفات و درآمد آن، در تمام کشورهای اسلامی افزایش یافت. مردمان خیراندیش، امراء، بزرگان و تجاران، موقوفات بسیاری برای امور عام‌المنفعه از خود به یادگار گذاشتند. در این جهت، منصب دیوانی با وظیفه نظارت بر اموال موقوفه شکل گرفت و اداره موقوفه‌ها در اختیار کسی بود که «صدرالوقوف» نامیده می‌شد.^۲

ایرانیان مسلمان در این کار خیر به دلیل آشنایی آنها با فرهنگ وقف، پیش قدم بودند و ابتکاراتی در مصارف وقف از خود نشان دادند که هنوز آثار و برکات نیک آن باقی است. ولی باید توجه داشت که وقف در تاریخ ایران، در دوره‌های مختلف، دارای وضعیت یکسانی نبوده است.

در دوره سامانیان (۲۶۱-۳۸۹ق) نهاد وقف دارای دستگاه اداری عریض و طویلی بود و دیوان‌های جداگانه مخصوص املاک خالصه و اوقاف را شامل می‌شد که به کار مساجد و اراضی موقوفه رسیدگی می‌کردند. سیاست حکومت مرکزی در زمینه تشکیلات مذهبی، نظارت مستقیم و کنترل بر آنها بود؛ در حالی که قبل از این دوره، وظیفه دیوان اوقاف بر عهده قضات بوده است.^۳ در عصر حکمرانی سامانیان، امام ابوالحسن محمد بن شعیب بیهقی (م ۳۲۴ق) مدرس و مفتی شافعیان خراسان که از نزدیکان ابوالفضل بلعمی (م ۳۲۹ق)

۱. صادق عبادی، ساختار وقف در جهان اسلام، ص ۱۲۱؛ نادر ریاحی سامانی، وقف و سیر تحولات قانون‌گذاری، ص ۲۷ - ۲۹.

۲. مصطفی سلیمی فر، مجموعه مقالات وقف و تمدن اسلامی، «وقف بستر ساز توسعه اقتصادی»، ج ۲، ص ۱۱۳.

۳. ابوبکر محمد بن جعفر نرشخی، تاریخ بخارا، ترجمه ابونصر بن محمد بن نصر قباوی تلخیص محمد بن زفر؛ به تصحیح محمد تقی مدرس رضوی، ص ۳۱، تهران، چاپ دوم، انتشارات توس، ۱۳۶۳.

ق) بود، مدرسه‌ای در کوی سیار نیشابور تأسیس کرد و مبالغی هنگفت از اموال خود را به منظور اداره آن و کمک به دانش‌جویان شاغل به تحصیل در این مدرسه وقف کرد.^۱ وقف و کمک‌های مردمی از مواردی بوده که مردم به متولیان دانش برای تأمین مخارج مراکز علمی می‌بخشیدند. در شهر قم، اوقافی برای شیعیان بود که متولی خاصی آن را اداره می‌کرد. در سال ۳۷۸ قمری، احمد بن اسحاق اشعری، متولی این اوقاف بوده است. نویسنده تاریخ قم، حدود چهل تن از متولیان موقوفه‌ها را در این شهر ذکر کرده است. آن چنان که در *التنقض آمده*، علاوه بر مرقد فاطمه معصومه علیها السلام، مدرسی با اوقاف بسیار وجود داشته که تولیت آنها با علما و فقها بوده و درآمد علما از این موقوفات تأمین می‌شده است.^۲

آنچه در زمینه وقف و آثار اوقاف در ایران دوره اسلامی باقی مانده و در خور توجه است، به دوره آل بویه و پس از آن باز می‌گردد. ابونصر شاپور بن اردشیر (م ۴۱۶ ق) وزیر شیعی مذهب بهاءالدوله دیلمی (۳۷۹ - ۴۰۳ ق) و برادرش شرفالدوله (۳۷۲ - ۳۷۹ ق) نهادی آموزشی - علمی به نام «دارالعلم»^۳ در محله شیعه‌نشین کرخ (واقع در بغداد) تأسیس کردند و بیش از ده هزار مجلد از کتاب‌های نفیس در رشته‌های مختلف علمی را وقف کتابخانه آن نمودند.^۴

مرکز فعالیت سیاسی آل بویه در اصفهان، نزدیک میدان عتیق فعلی قرار داشته و محلات شهر هم‌چون: پاقلعه، خواجه، ترواسکان، اطراف مسجد جامع و میدان کهنه بسیار آباد بوده است. تنها یادگاری که از بناها و آثار آل بویه در اصفهان باقی مانده، سردر «مسجد جورجیر» است که به مسجد جامع کوچک شهرت دارد (پشت مسجد حکیم). این مسجد را صاحب بن عباد، از دانش‌مندان و وزرای آل بویه بنا کرد.^۵ جای این مسجد در زمان صفویه، مسجد حکیم ساخته شد. بر اساس مدارک تاریخی، قدیمی‌ترین مدرسه وقفی در اصفهان به نام علاءالدوله کاکویه (مدرسه علایی) در قرن چهارم در محله

۱. نورالله کسای، *مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن*، ص ۷۵.

۲. سیداحمدرضا خضری، *تاریخ تشیع ۲*، ص ۳۰۸ - ۳۰۹.

۳. نهادهای آموزشی علمی بودند که از اوایل قرن چهارم هجری با پشتوانه مالی خصوصی و موقوفات شخصی اداره می‌شدند. قدیم‌ترین دارالعلم را ابوالقاسم جعفر بن محمد موصلی (م ۳۲۴ ق) در موصل بنیان نهاد. نک: عبدالرحیم غنیمه، *تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی*، ترجمه نورالله کسای، چاپ سوم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ ص ۳۴۵ و ۳۹۰؛ سیداحمدرضا، خضری، *تاریخ تشیع ۲*، ص ۳۰۹.

۴. *تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی*، ص ۹۲.

۵. مفضل بن سعد مافروخی اصفهانی، *محاسن اصفهان*، ص ۹۰.

دردشت بنا شده و ابوعلی سینا مدت کوتاهی مدرس آن بوده است.^۱ قدیمی‌ترین مورد دخالت حکومت در اوقاف از جانب عضدالدوله دیلمی (م ۳۷۲ ق) در مورد اوقاف منطقه سواد (عراق) است. او مفتشان و ممیزانی بر آن منطقه گماشت و برای هر کدام، مبلغ معینی به عنوان وظیفه مقرر کرد. آل بویه املاکی را متصرف شدند که اعراب اشعری قم، وقف ائمه و اعقاب ایشان کرده بودند.^۲

در دوره سلاجقه نیز اراضی موقوفه نسبتاً وسیعی وجود داشته است اما هرگز این اراضی به وسعت املاک زمان صفویه نمی‌رسید و تشکیلات حکومتی محدود بود. خواجه نظام‌الملک توسی که حدود سی سال با اقتدار و تدبیر وزارت کرد، مدارس نظامیه را بنیان نهاد و موقوفات بسیاری برای مدرسان، دانش‌جویان مدارس، فقرا و غیره وقف نمود. وی به امور مالی مدارس، توجه وافر داشت و هدفش این بود که هزینه اداره و نگه‌داری مدارس از محلی تأمین شود که کمتر مورد اختلاس و تجاوز غاصبان قرار گیرد. از این‌رو به ابوسعید صوفی، دستور داد تا بازارهای اطراف مدارس را بر آن وقف کند وی حمام‌ها، دکان‌ها، املاک و کاروان‌سراها را خرید و همه را وقف نظامیه نمود (رقبات نظامیه) تا عواید آن به مصرف اداره مدارس برسد. به دستور خواجه، صورت موقوفات و اموال مدرسه در دفتری ثبت گردید و برای آن شروط و ضوابطی مؤکد نوشت و مسئولان و متولیان مدارس را به اجرای مفاد آن ملزم نمود. مخارج مدارس در ادوار مختلف پس از مرگ خواجه، از محل عواید همین موقوفات تأمین می‌شده.^۳ املاک وقفی خواجه بسیار بود که در گذر زمان قطعه قطعه و مجزا شد. بخشی از آن در محله کران (دارالبطیخ فعلی) وجود داشت و سایر موقوفات در اطراف کوچه نمکی و میدان قدیم اصفهان بود که به کلی از بین رفته است. مسجدی در کوچه نمکی واقع شده که کتیبه سر در آن به یکی از اعقاب نظام‌الملک اشاره دارد.

در منشورهایی که از طرف دیوان سنجر برای حکام صادر می‌شد، می‌نوشتند که متولیان اوقاف، تابع قدرت ایشان هستند و حاکم باید در مصرف عواید اوقاف و وضع و طرز اداره آن نظارت کند. نظارت کلی بر اوقاف، وظیفه قاضی لشکر سلطان بود.^۴

۱. همان، ص ۹۱.

۲. ریاحی سامانی، وقف و سیر تحولات قانون‌گذاری در موقوفات، ص ۲۷ - ۲۹.

۳. کسائی، مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن، ص ۱۱۴ - ۱۱۵.

۴. علی‌اکبر شهبابی، تاریخچه وقف در اسلام، ص ۶.

در حمله مغول و خصوصاً لشکرکشی هولاکو خان به بغداد، بسیاری از موقوفات مدارس نظامیه و مستنصریه آسیب فراوانی دید و امر رسیدگی به موقوفات، چنان مختل شد که احیا و بازسازی آنها مهم می‌نمود. خواجه نصیرالدین توسی (م ۶۷۲ ق) مشاور و سررشته‌دار همه امور در دستگاه هولاکو و جانشین وی آباقاخان، مسئولیت ریاست و نظارت بر کل موقوفات قلمرو وسیع آنان را به عهده گرفتند و برای ترمیم ویرانی‌ها و تأمین زندگی متولیان دانش، کوشش فراوان کردند.^۱ هولاکو مسئولیت تشکیل رصدخانه مراغه در سال ۶۵۷ قمری را به همراه اداره امور اوقاف، به خواجه نصیر واگذار کرد.

در دوره مغولان نیز حکومت، بر اموال وقفی نظارت می‌کرد. این نظارت به ویژه در دوره ایلخانان بر عهده دیوان اوقاف بود. تحقیق و تعیین اصالت وقف‌نامه‌ها، اسناد و حل و فصل دعاوی و شکایات مربوط به تصرف و اداره اموال وقفی، وظیفه اصلی این دیوان بود.^۲ مهم‌ترین و شاید ثروت‌مندترین موقوفات در قرن هشتم هجری، مواردی بوده که غازان خان و جانشینش الجایتو و خواجه رشیدالدین فضل‌الله ساخته‌اند. وقف‌نامه غازان خان و خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی، از جالب‌ترین اسناد در نوع خود هستند. بنیادهای موقوفه غازان خان عمدتاً در محله «شنب غازان» در تبریز قرار داشت.^۳

وقف‌نامه اصلی غازان خان امروزه در دست نیست ولی آنچه از تاریخ مبارک غازانی که خواجه رشیدالدین وزیر غازان خان به رشته تحریر درآورده، به دست می‌آید، فهرست کاملی از موقوفات شامل مسجد جامع، رصدخانه، بیمارستان و کتابخانه وجود دارد. مبالغی نیز برای مخارج موقوفه‌ها و هزینه‌های مورد نیاز آن اختصاص یافت؛ از قبیل تهیه فرش، بهای شمع، عطر و شیرینی در شب‌های جمعه و تعیین حقوق مدرس، فقیه، خطیب، امام، عمله و دیگران برای مدارس، مساجد، دارالسیاده‌ها، دارالشفاه و خانقاه‌ها ذکر شده است. در این وقف‌نامه حتی برای پرندهگان نیز سهمی در نظر گرفته شده بود.^۴

خواجه رشیدالدین نیز در وقف‌نامه خود که در ۷۰۹ قمری تنظیم گشته و از قدیمی‌ترین اسناد وقفی به زبان فارسی است، به منظور تأمین هزینه‌های بیمارستان، تدریس علم طب،

۱. عبدالرحیم غنیمه، همان، ص ۳۱.

۲. آ. ب پطروشفسکی، و جان ماسون اسمیت، تاریخ اجتماعی - اقتصادی دوره مغول، ترجمه یعقوب آژند، ص ۴۶۶. تهران، اطلاعات، ۱۳۶۶.

۳. آن. لمبتون و کرک نیتون، «بررسی موقوفات ایران (در قرون ۶ تا ۸ هجری)»، ترجمه مجتبی کیانی، وقف میراث جاویدان، ص ۷۶ - ۹۳.

۴. مصطفی سلیمی فر، وقف و آثار اقتصادی - اجتماعی آن، ص ۸۶ - ۸۵.

حقوق متعلمان، فقها، دانش‌جویان و اولاد خویش (وقف خاص)، سهمی از درآمد موقوفات را به آن اختصاص داده و تقریباً تمامی نیازها و ضرورت‌های اجتماعی را در نظر گرفته است.^۱ قسمتی از سند که به دست خود او نگاشته شده، به شرایط عام و خاصی مربوط است که امور و خدمات مجتمع وقفی ربع رشیدی و کار و دستمزد خدمه آن و یا سهم کسانی را که از موقوفات بهرمنند می‌شدند، یک‌به‌یک معین می‌کند.^۲ این مجموعه بزرگ بر اساس اظهار وقف‌نامه، سه قسمت بزرگ ربع رشیدی، ربض رشیدی و شهرستان رشیدی را شامل بوده که هر یک از آنها تقسیمات خود را داشته است.

مجموعه موقوفاتی توسط جهان‌شاه قراقویونلو و دشمن او اوزون حسن آق‌قویونلو در تبریز اواخر قرن نهم هجری به وجود آمد و نام موقوفات از نام واقفان آن گرفته شده است: مظفریه (ابومظفر جهان‌شاه) و نصریه (ابونصر اوزون حسن)؛ امروزه فقط بقایای مخروبه مسجد کبود جهان‌شاه باقی مانده است. مدرسه منصوریه در شیراز، از قدیمی‌ترین وقف‌نامه‌های ایران به زبان فارسی است که تاریخ وقف‌نامه را ۸۹۱ قمری نشان می‌دهد و از آثار دوره آق‌قویونلو (سلطان یعقوب) محسوب می‌شود. محمد دشتکی شیرازی، از علمای شیراز بانی و واقف آن بود. وی با فرمانی از سوی سلطان یعقوب، معافیت مالی املاک و رقبات این مدرسه را پس از وقف آن دریافت نمود. مدرسه منصوریه به دلیل داشتن نود رقبه کلان، هنوز پابرجاست و محل تدریس و سکونت طلاب حوزه علمیه است.^۳

مقام صدر در دوره تیموریان، از عالی‌ترین مقامات روحانی بود و اداره املاک متبرکه به طور متمرکز در دست آنان قرار داشت و اداره مرکزی آن «دیوان‌الصداره» خوانده می‌شد. در نظام تشکیلاتی این دوره، از مقام شیخ‌الاسلام نام برده شده است. نظارت بر قاضیان ولایات و متولیان امور موقوفات از وظایف وی بوده است. به‌طور معمول، تصاحب موقوفات با معافیت مالیاتی ارتباط داشت و چون از نظر حکومت، موقوفات مهم بود، این

۱. رشیدالدین فضل‌الله همدانی، وقف‌نامه ربع رشیدی، ص ۲۳ - ۳۶ و ۴۲ - ۴۴.

۲. همان، ص ۱۵۶ - ۱۶۴ و ۱۹۹ - ۲۱۰؛ هم‌چنین، نک: بریژیت هوفمان، «رشیدالدین فضل‌الله سازمان دهنده‌ای تمام عیار»، ترجمه فرشته سپاهانی، وقف میراث جاویدان، ص ۷۶ - ۸۵؛ سمیه صالحی و مرضیه داوری، «ارزیابی فنی و حقوقی نظام حسابرسی و نظارت مالی بر موقوفات ایران (تحلیلی تاریخی - اصلاحی)»، مجموعه مقالات وقف و تمدن اسلامی، ص ۴۱۴ - ۴۱۵.

۳. برای نود رقبه اختصاص یافته به مدرسه منصوریه نوزده کاربری مشخص گردیده است؛ نک: محمدعلی رنجبر، «متولیان مدرسه منصوریه شیراز»، گنجینه اسناد، ص ۴۸ - ۴۹.

معافیت را شامل می‌شده است.^۱ در خراسان، فارس و عراق، به موقوفات جدیدی برمی‌خوریم که عمدتاً به دوران سلطنت شاهرخ و سلطان حسین بایقرا مربوط است. گوهرشاد، همسر سلطان شاهرخ میرزا، آثاری چون مسجد، مدرسه و خانقاه در هرات و مسجدی در مشهد وقف کرد که در هر دو شهر به نام گوهرشاد است.^۲

در دوره صفویان، نهاد وقف روند گسترش و تکوین خود را طی کرد. بر اساس تحولات سیاسی و مذهبی در کشور و وابستگی نهاد وقف به سازمان‌های دولتی، این تغییرات به چهار مرحله تقسیم می‌شود:

مرحله اول: این مرحله از دوران سلطنت شاه‌اسماعیل اول (مرحله آغازین گسترش موقوفات) تا دوره سلطنت شاه عباس کبیر است.

مرحله دوم: دوره شاه عباس که دوره گسترش موقوفات شیعی و شکوفایی نهاد وقف است.

مرحله سوم: فاصله زمانی بعد از شاه عباس تا روزگار شاه سلیمان که دوره استقرار نهاد وقف است.

مرحله چهارم: فاصله زمانی از سلطنت شاه سلیمان تا سقوط صفویه (۱۱۳۵ ق) است که به دلیل ضعف اقتدار و عمل کردهای نادرست شاهان صفوی، نهاد وقف هم‌چون ارکان‌های دیگر در نظام تشکیلاتی، دچار آشفتگی و رکود می‌شود.^۳

به دلیل اهمیت و وسعت موقوفات اصفهان، وزیر مخصوصی وجود داشت که معروف به «وزیر فیض آثار» بود که اوقاف محال اصفهان (دهات و زمین‌های موقوفه پادشاهان صفوی) را اداره می‌کرد و اداره خاصی به نام «دفتر موقوفات» وجود داشت که همه مستوفیان، متصدیان و متولیان و مباشران موقوفات، برای حساب‌رسی و ممیزی به آن دفتر مراجعه می‌کردند. از وظایف فیض آثار، این بود که به فعالیت‌های کشاورزی زمین‌های موقوفه، نظارت کند و در آبادی قنوات، باغ‌ها، آسیاب‌ها و به‌طور کلی مستغلات، مراقبت دائم به عمل آورد تا در جمع‌آوری عواید موقوفات و مصارف آنها طبق

۱. هربرت بوسه، پژوهشی در تشکیلات دیوان اسلامی، ص ۱۲۳، ۱۸۶، ۱۸۷ و ۲۰۸.

۲. علی کریمیان، اسناد موقوفات آستان قدس رضوی در هرات (۱۳۶۰ - ۱۱۸۱ ق)، ص ۴۶، مقدمه کتاب.

۳. برای اطلاعات بیشتر درباره تحولات و ساختار تشکیلاتی نهاد وقف در دوره صفویه نک: پایان‌نامه‌های دکتری نزهت احمدی، «نهاد وقف، دگرگونی‌ها و کارکردهای فرهنگی - مذهبی آن در عصر صفوی»؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مرضیه دهقان، نقش نهاد وقف در دگرگونی‌های اجتماعی - فرهنگی شهر مشهد در دوره صفوی.

شرایط واقف عمل شود. وی در توسعه کشاورزی و آبادانی محال اصفهان اهتمام خاصی مبذول داشت.^۱

از آنجایی که موقوفات در دوره صفویه رشد چشم‌گیری داشته است، این سؤال مطرح می‌گردد که مدیریت آنها به چه صورت بوده است. مقام صدر از مهم‌ترین مقامات مذهبی بوده و در عصر چند تن از پادشاهان صفوی تحولاتی داشته است. برای مثال، در زمان شاه اسماعیل اول یکی، از ارکان‌های دیوانی به حساب می‌آمد. وظیفه اصلی مقام صدر، رسیدگی به درآمدهای مالی و به مصرف رساندن آنها طبق نیات واقفان بود. اداره امور اوقاف در ولایات، با مستوفی مخصوصی بود که «مستوفی موقوفات» نامیده می‌شد. این مقام مسئول که توسط شاه انتخاب می‌گردید، دارای وظایفی از جمله: رسیدگی به حساب رعایا، مستأجران و صدور مفاصا حساب برای آنها بود. استفاده از عواید موقوفه‌ها از نظر مدت زمانی به دو گونه بود: مادام‌العمر و یا موقت که در صورت موقت، معمولاً سالی یکبار از طرف دفتر محاسبات به افراد داده می‌شد. اگر دفتر موقوفات از مستمری‌بگیران ناراضی بود، وی را با بازپس گرفتن اسناد وقف‌نامه، از دریافت مستمری محروم می‌کردند.^۲

در آن روزگار گروهی از مردم متوسط، از درآمد موقوفات گذران زندگی می‌کردند و بدین‌وسیله نوعی تعدیل و تقسیم ثروت در جامعه به‌وجود می‌آمد. اداره موقوفه‌ها عموماً با ضعف حکومت‌های مرکزی در اصفهان مختل می‌شد. تعداد زیادی از موقوفات شهر بر اثر تجاوزات و لشکرکشی‌ها و تغییر حکومت‌ها، تحول عظیمی به خود دید و مانع عمل‌کرد واقعی آنها شد و موقوفه‌خوران را به غضب آنها برانگیخت.^۳

در برخی از دوره‌ها، املاک وقفی از پرداخت مالیات معاف بودند. هربرت بوسه به فرمان‌هایی مربوط به اعطای وظیفه موقوفات^۴ به روحانیان اشاره می‌کند. در سندی که به

۱. محمدسمیع میرزا سمیعا، تذکره الملوک (به همراه تعلیقات مینورسکی)، ص ۵۴ - ۵۵. تذکره الملوک پس از سقوط صفویه و به دستور اشرف افغان بین سال‌های ۱۱۳۷-۱۱۴۲ درباره منصب ملاباشی و دیگر مناصب اداری و سیاسی روحانیان دارالسلطنه اصفهان نوشته شده؛ اطلاعات کاملی درباره آخرین تحولات تشکیلاتی مقام صدر به دست می‌دهد. میرزا سمیعا، خود یکی از منشیان درباری بوده و چون اطلاعات کافی در زمینه مسائل دیوانی و تشکیلاتی داشت، مطالب کتاب از این نظر جالب توجه است.

۲. آ. ک. س. لمبتون، مالک و زارع در ایران، ترجمه منوچهر امیری، ص ۲۳۶ - ۲۳۷.

۳. همان، ص ۱۰۷ - ۱۰۹.

۴. وظیفه موقوفات (اصطلاح دیوانی): پرداخت حقوق و مواجبی از درآمد موقوفات به روحانیان بوده است. این درآمد از محصولات املاک موقوفه کسب می‌شده و دریافت کنندگان آن بر اساس این اسناد همیشه روحانیان بوده‌اند. هربرت بوسه، همان، ص ۱۸۳.

سال ۹۴۸ قمری بازمی‌گردد، به فرمان معافیت مالیات برای موقوفات املاک حرم حضرت معصومه علیها السلام صریحاً تأکید شده است. در این دسته از املاک معاف از مالیات، املاک متولیان (تعدادی از آنها سادات قم بوده‌اند) و یا افرادی که به نحوی وظایفی در این مکان‌های مقدس داشته‌اند، شامل معافیت مالیاتی می‌شدند. به دلیل اهمیت و گستردگی موقوفات اصفهان، مدیریت آن به شخص مورد اطمینانی محول می‌شد. برای مثال، در زمان سلطنت تهماسب اول، همواره دو روحانی وظیفه اداره موقوفات را در مقام صدر به عهده داشتند. این پادشاه مقام تولیت موقوفات وسیعی را به سیدحسین خاتم‌المجتهدین بخشید. روحانیان در این دوره، به دلیل املاک و مستغلاتی که به واسطه مقام صدارت و تولیت موقوفات کسب کردند، به ویژه در ولایاتی مانند اصفهان و آذربایجان، در سلسله‌مراتب بالایی از نظر درآمد در جامعه قرار گرفتند.^۱ از این رو، زمینه گسترده‌ای برای کمک به مکان‌ها، مراسم و آیین‌های مذهبی فراهم شد.

از سلطنت شاه عباس اول، جهش خاصی برای توسعه موقوفات صورت گرفت. او پس از بازپس گرفتن آذربایجان از دولت عثمانی، مصمم شد تا تمامی املاک و مستغلات خود را وقف چهارده معصوم کند. وی در سال ۱۰۱۴ قمری، در شهر اصفهان بازار قیصریه، بازارهای نقش جهان، کاروان‌سرا و حمام نزدیک میدان را وقف رسول خدا صلی الله علیه و آله کرد و حدود یک سال بعد، تمامی اموال و املاک شخصی خویش را که به پول رایج آن زمان بیش از هفتصد هزار تومان ارزش داشت، به چهارده بخش تقسیم کرد و چهارده مهر که به نام هر یک از چهارده معصوم ساخته شده بود، و بر آنها زد و همگی را وقف ائمه اطهار علیهم السلام نمود.^۲ وقف‌نامه یادشده حدود شش تا ده سال بعد، در شعبان ۱۰۲۳ توسط شیخ بهاء‌الدین محمد عاملی تنظیم شد. وی موارد موقوفات را شاید حدود سه سال زودتر از آغاز بنای مسجد در رونوشت خود آورده است.

مقام صدر که ابتدا جنبه دینی قوی‌تری نسبت به وظایف تشکیلاتی و سیاسی داشت، به تدریج قدرت سیاسی آنها هم‌گام با توسعه و نفوذ پادشاهان صفوی گسترش یافت؛ تا جایی که گاهی متصدیان آن، مزاحم امور سیاسی کشور نیز می‌شدند. شاه عباس دوم به همین دلیل، صدر موقوفات را میدان نداد. شاه سلیمان (صفی دوم)، مقام صدر موقوفات را

۱. هربرت بوسه، همان، ص ۲۴۷.

۲. رابرت د. مک چسنی، وقف و سیاست ملی در دوره صفویه (۱۰۱۱ - ۱۰۲۳ ق. / ۱۶۰۲ - ۱۶۱۴ م.)، ص ۱۱۱

به دو شوهر عمه خود بخشید.^۱ در این زمان، آخرین تحولات دیوانی در مقام صدر به منظور در اختیار گرفتن هر چه بیشتر کنترل موقوفات سلطنتی رخ داد. شاه سلیمان که از افزایش قدرت صدر نگران بود، وظایف مقام صدر را به دو شعبه (صدر عامه و صدر خاصه) تقسیم کرد. بر اساس منابع تاریخی، مسئولان اوقاف به پنج دسته تقسیم می شدند که عبارت بودند از:

۱. صدر خاصه یا مسئولان امور موقوفات پادشاهان؛
۲. صدر عامه (صدر الممالک) یا ناظر کل موقوفات در سراسر کشور؛
۳. مستوفی موقوفات یا رئیس جزییات مساحت زمین‌ها که طرز کاشت، داشت و برداشت را اداره می کرده است؛
۴. متصدی موقوفات؛
۵. وزیر موقوفات.^۲

تعیین حکام شرع، وزرای اوقاف، ناظران، مستوفیان، مباشران اوقاف تفویضی و ریش سفیدی سادات، علما، مدرسان، شیخ الاسلام‌ها، پیش‌نمازان، قضات، متولیان و سایر خدمه مزارات، مدارس و مساجد از وظایف منصب صدارت بود. زمانی که صدر موقوفات به هر علتی (مرگ و غیره) وجود نداشت، مستوفی موقوفات به این امر رسیدگی می کرد.^۳ سفرنامه‌های اروپاییان، گاه اطلاعات ارزنده‌ای از مدیریت موقوفات دوره صفویه به دست می دهند که در خور توجه است. شاردن صدر موقوفات و شیخ الاسلام را به عنوان بالاترین مرجع موقوفات نام برده و نیز از مقامی با نام صدر خاصه سخن گفته که متصدی موقوفات سلطنتی بوده است. کمپفر* در سفرنامه خود، اداره موقوفات آن عصر را با عناوین صدر موقوفات، مستوفی موقوفات، متصدی موقوفات، وزیر موقوفات و متولیان ذکر می کند که هر کدام به نحوی در اداره موقوفه‌ها اعمال مدیریت می کردند. وی که در دوره شاه سلیمان (۱۰۷۷ - ۱۱۰۵ق) در اصفهان به سر می برد، با اشاره به رقابت بین شاه، دربار و رجال کشور در ساختن تأسیسات عام‌المنفعه و قرار دادن موقوفاتی برای آن می نویسد:

۱. ولادیمیر مینورسکی، سازمان اداری حکومت صفوی، ص ۷۱ - ۷۴؛ محمد ابراهیم، باستانی پاریزی، سیاست و اقتصاد عصر صفوی، ص ۷۴ و ۷۷.

۲. انگلبرت کمپفر، در دربار شاهنشاهی ایران (سفرنامه کمپفر)، ص ۱۲۱ - ۱۲۲.

۳. محمد سمیع میرزا سمیعا، تذکره الملوک، ص ۴۴، ۲ و ۱۴۸.

۳. رسول جعفریان، دین و سیاست در تشکیلات دیوان اسلامی، ص ۸۳، ۸۵، ۱۲۳، ۱۸۳، ۱۸۶، ۱۸۷.

* kaempfer.

شناختن درست وضع دربار ایران، بدون وقوف به تأسیساتی که قسمت قابل توجهی از عواید دربار صرف آنها می‌شود، یعنی مساجد، حمام‌ها، قنوات، راه‌های عبور و مرور و پل‌ها و بیش از همه مدارس دینی و همچنین نمایندگان علوم و هنر امکان‌پذیر نیست... به این دلیل اغلب شهرهای ایران، مملو از مدارس دینی و موقوفات آنهاست؛ تنها در اصفهان که پایتخت و شهری باشکوه و بزرگ به شمار می‌رود، در حدود یکصد موقوفه قابل ملاحظه وجود دارد و این به جز موقوفات جزئی و متفرقه است.^۱

در عصر حکومت شاه سلطان حسین (۱۱۰۵ - ۱۱۳۵ق) تمامی اراضی و املاکی که شرعاً ممکن بود وقف شود، جزء موقوفات قرار گرفت؛ به همین دلیل، برای پشتوانه مالی مدارس و مساجد اصفهان، زمین‌هایی در شهرهای کاشان، یزد و ولایات دیگر خریداری کردند و آنها را جزء موقوفات قرار دادند.^۲

وقف در دوره قاجار

هر یک از خاندان‌های حکومتی در ایران، خطامشی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خاصی داشته‌اند. این خطامشی ناشی از ساختار قبیلگی آن خاندان، بافت درونی، باورها و در یک کلام از هویت آن خاندان سرچشمه می‌گرفت. هویت‌های مشترک، شالوده مهمی برای جنبش‌های سیاسی و اجتماعی در هر جامعه‌ای محسوب می‌گردد. برای شناخت وقف در این دوره، باید ابتدا به هویت‌شناسی قجرها پرداخت. حکومت قاجار پس از صفویه، دومین دولتی است که بر اساس تشیع شکل گرفت و عالمان دینی، تأثیر گسترده‌ای بر آنان داشتند. لذا به دلیل سیطره فضای مذهبی بر جامعه، وقف به عنوان یک نهاد دینی رونق داشت. توسعه نهاد وقف در این دوره به چند عامل بستگی داشت:

اقتضایات مدنی - اجتماعی، تلاش‌های نهادهای دینی و هویت و تشخیص حاکمیت شاهان قاجار مانند حاکمان صفویه، مدعی تشیع و عمل به واجبات و پرهیز از محرّمات بودند و به منظور ایجاد مقبولیت مردمی و مشروعیت دینی، صدقات و وقف‌های علنی داشتند. نمونه آن درخواست کمک یحیی دولت‌آبادی برای تأسیس مدرسه سادات (۱۳۱۶ق) بود که مظفرالدین شاه قاجار، کمک‌های وقفی را به این مرکز ارائه

۱. در دربار شاهنشاهی ایران، ص ۱۴۰.

۲. برخی از موقوفات مدرسه چهارباغ اصفهان هنوز باقی است که از آن جمله می‌توان به مزرعه باغ ملک در چهار محال بختیاری و مزرعه احمدآباد در کاشان اشاره کرد. نک: سپنتا، تاریخچه اوقاف اصفهان، ص ۳۷ و ۴۱.

داد.^۱ بنابراین مهم‌ترین مسأله که در امر اوقاف باید در نظر گرفته شود، نگرش دولت‌مردان این سلسله به نهاد وقف است. حتی در بین درباریان و شاهزادگان، افرادی مانند اکبرمیرزا صارم‌الدوله را می‌بینیم که با وقف زمینی بزرگ در اصفهان و ساخت دبیرستان (مدرسه متوسطه) و صرف بسیاری از موقوفات واقع در میدان نقش جهان برای تأمین هزینه‌های آن، به چنین امور خیری مبادرت می‌کردند.^۲

قاجارها در انجام دادن مراسم مذهبی، دقت و ظرافت خاصی داشتند؛ آنها هزینه اماکن مقدس را می‌پرداختند، از ائمه‌جمعه و شیخ‌الاسلام‌های درباری حمایت می‌کردند؛ شمشیر صفوی را به عنوان نماد تشیع به کمر می‌بستند و بر تخت طاووس می‌نشستند و از میراث باشکوه شاهان باستان تقلید می‌کردند. برخی از علمای درباری از آنها حمایت می‌نمودند، اما مجتهدان بانفوذ از دربار برکنار ماندند. بر اساس متون قدیمی شیعه، دولت در بدترین حالت، ذاتاً نامشروع به‌شمار می‌آمد و در بهترین حالت، شری لازم برای جلوگیری از هرج و مرج اجتماعی است. اکثر مجتهدان سرشناس، مفهوم دولت شیعی را بیانی نامتناقض قلمداد می‌کردند و آنها را غاصبان حاکمیت الهی دانسته، حق داشتند آنها را در صورت زیرپا گذاشتن قانون شرع، خلع کنند.^۳

البته به دلیل بافت سنتی جامعه، بسیاری از موقوفات، به جای صرف امور فرهنگی که با تحولات دنیای آن روز بایست هم‌آهنگ بود، مصروف روشنایی عتبات عالیات، تهیه بوریاء، شمع مساجد و برگزاری مجالس روضه‌خوانی و تعزیه‌داری می‌شد؛ گرچه به دلیل موج نوگرایی و ورود افکار جدید و ایجاد نظام مشروطه در اواخر این دوره، مصارف وقف کمی متفاوت‌تر از گذشته گردید. روحانیان روشن‌فکری وجود داشتند چون سیدسعید طباطبایی نایینی که مدرسه گلپه‌ار را تأسیس نمود (۱۳۳۱ق) و یا سیدمحمد طباطبایی، از رهبران مشروطیت که مؤسس مدرسه اسلام (۱۳۱۷ق) بود. ولی این تحولات، پاسخ‌گوی نیاز جامعه آن روز نبود. در دوران صفوی، مسجدها و مدرسه‌های اصفهان املاک موقوفه بسیار داشت، اما در دوره فترت بین صفوی و قاجار، تعداد زیادی از آنها را غصب کردند.

۱. یحیی دولت‌آبادی، حیات یحیی، ص ۳۰۳، (ج ۱)، تهران، چاپ اول، فردوس، ۱۳۸۷.

۲. وقف‌نامه مدرسه شاهزاده صارم‌الدوله: سند شماره ۲۹۷۰۲۱۶۷۵، سازمان اسناد ملی ایران. (نک: بخش ضمائم، الف)

۳. پرواند آبراهامیان، (۱۳۸۷)، *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی، چاپ سیزدهم، تهران، نشر نی.

وقف و نقش روحانیان در دولت قاجار

روحانیان در دوره قاجار، دیگر مانند دوره صفویه از صاحب‌منصبان کشوری و درباری محسوب نمی‌شدند؛ اگرچه در تحولات گوناگون سیاسی کشور نقش محوری داشتند. روحانیان دوره قاجار طی چند نسل، بر سر نفوذ بیگانگان در جامعه ایران با دولت مخالف بودند.^۱ عکس‌العمل طبقه روحانی در برابر تمایلات و مقاصد شاه، ایجاد نارضایتی در میان مردم و تبلیغ شدید علیه درباریان و اطرافیان شاه، یکی از جلوه‌های نفوذ و قدرت معنوی آنها بود.^۲ روحانیان در آن دوره نیز نفوذ خود را در تشکیلات قضایی و اداره امور اوقاف بر اساس سنت حفظ نمودند.

گُرزن در سال ورودش به ایران (۱۸۹۰ م / ۱۳۰۷ ق) و مسافرت به شهر مشهد، درآمد سالانه موقوفات حرم امام رضا علیه السلام را شصت هزار تومان نقد و ده هزار خروار جنس و مجموعه خدام حرم را ده هزار نفر تخمین زده است. اداره موقوفه‌ها مستقیماً تحت نظر سلطان عصر و مقام متولی‌باشی بود که از میان روحانی‌های درجه اول ایران انتخاب می‌شد. مبلغی از این عایدات را به برخی از علمای پایتخت می‌دادند و شاه ایران هر ساله به عنوان تبرک و حق‌التولیه (نه به اسم مالیات)، هزار تومان از عایدات امام رضا علیه السلام به جیب می‌زد. به همین دلیل، آشوب‌های خراسان که در میزان عایدات املاک موقوفه اثر منفی داشت، می‌بایست سریعاً متوقف می‌شد؛ هم‌چنین والی این ایالت از نظر اهمیت رتبه، دومین شخص مملکت محسوب می‌گردید.^۳ وی مهم‌ترین موقوفات ایران را موقوفات آستانه امام رضا علیه السلام معرفی می‌کند که حتی در دورترین نقاط بنادر خلیج فارس هم زمین‌هایی متعلق به امام دیده می‌شود او می‌نویسد:

مردم ایران که پیوسته از ظلم عمال دولتی در زحمت هستند و مورد تهدید ضبط و غصب و مصادره می‌باشند برای فرار از این بدبختی‌ها، املاک خود را وقف می‌کنند که تا زنده‌اند، خودشان از آن استفاده برده و پس از مرگشان، متعلق به یکی از اماکن مذهبی گردد و از همین یک موضوع می‌توان تأمین مالی و حفظ حقوق مردم ایران را درک کرد که تا چه اندازه دست‌خوش تعدی دولت می‌باشند.^۴

۱. جان فوران، مقاومت شکننده تاریخ تحولات ایران (از سال ۱۵۰۰ میلادی مطابق با ۷۸۹ شمسی تا انقلاب)، ص ۲۷۷.

۲. علی اصغر، شمیم ایران در دوره سلطنت قاجار، ص ۴۵۷.

۳. جرج ناتانیل گُرزن، ایران و مسأله ایران، ص ۳۷ - ۳۸؛ هانری رنه دالمانی، سفرنامه از خراسان تا بختیاری، ص ۷۲ - ۷۳.

۴. ایران و مسأله ایران، ص ۲۶۳ - ۲۶۴.

وقف و وزارت عدلیه در دوره قاجار

بخشی از وضعیت نظام وقف در دوره قاجار، از محاکم قضایی متأثر بود؛ زیرا وقف، خود نظامی قانون‌مند و دارای احکام حقوقی خاص است. وزارت عدلیه، یکی از مراجع حافظ این نظام و حقوق بود. تعدی و تجاوز به موقوفات و ارجاع شکایات وقف‌کنندگان از موقوفه‌خواران به عدلیه و بررسی آنها و صدور حکم، جزئی از وظایف وزارت عدلیه بود. بنابراین، وضعیت نظام دادرسی و قضایی کشور، تأثیر تنگاتنگی بر وضعیت اوقاف کشور داشته است. دادرسی و رسیدگی به دعاوی حقوقی و کیفر دادن جنایت‌کاران و دزدان، و به‌طور کلی رسیدگی به جرایم در ایران، یا طبق احکام و قوانین شرع اسلام انجام می‌گرفت و یا بر وفق عرف و سنت (دیوان‌خانه یا عدالت‌خانه). دوگانگی دستگاه قضایی کشور، یادگاری از دوره صفوی بود و تا سال ۱۳۲۸ قمری که نخستین قانون مدنی راجع به قوه قضایی کشور به تصویب رسید، دست‌نخورده باقی مانده بود.^۱ طبقه روحانی، فقها و مجتهدان جامع‌الشرایط، مجری احکام و قوانین شرع بودند.^۲

عرف و سنت که بیشتر در امور اخلاقی و جنایی ملاک قضاوت و رسیدگی و کیفر دادن خلاف‌کاران و مجرمان بود، از دیرباز در ایران، سلاح برنده‌ای در دست هیأت حاکمه بوده و هیچ‌گاه اصول و مقررات مدون و لازم‌الاجرا برای حکام ولایات وجود نداشته و چگونگی صدور حکم و طرز اجرای آن، تابع سلیقه و میل و حب و بغض مقامات دولتی بوده است.^۳ دعاوی حقوقی در محاکم شرع، نزد حکام شرع حل و فصل می‌شد که با صلاحدید مقامات دولتی برگزیده می‌شدند.

به‌طور کلی، تأسیس وزارت عدلیه و رسیدگی به دعاوی حقوقی در چارچوب نظامی واحد در سرتاسر ایران، با تکالیف و حدودی مشخص، با تأسیس مجلس شورای ملی آغاز گردید.^۴ اما اجرای این قوانین به دلیل آشفتگی مملکت چندان مقدور نبود و اوقاف کشور

۱. این دوگانگی بین دستگاه‌های اجرایی به ویژه وزارت اوقاف و عدلیه، در اسناد مرتبط با شکایات واقفان انعکاس یافته است؛ برای مثال، در سند شماره ۲۹۱۰۰۲۴۹۱ به وضوح به این مطلب اشاره شده است. تلگراف از متولی به اداره عدلیه اصفهان، ۲۲ صفر ۱۳۴۲ و ۲۱ جمادی الثانی ۱۳۴۲؛ ۲۹۱۰۰۲۴۹۱، سازمان اسناد و مدارک ملی ایران (نک: بخش ضمایم (ب)، سند ش ۲۹۱۰۰۲۴۹۱).

۲. الگار، دین و دولت در دوره قاجار و نقش علماء، ص ۳۷ - ۳۶؛ فریدون آدمیت، (۲۵۳۶ شاهنشاهی)، افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده دوران قاجار، چاپ اول، تهران، آگاه، ص ۴۹۸.

۳. عبدالله مستوفی، (۱۳۲۴)، شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه، ج ۲، ص ۲۵۲ - ۲۵۵، تهران، کتاب‌فروشی محمدعلی محمدعلی علمی؛ کُرزن، ایران و مسأله ایران، ص ۱۰۴ - ۱۰۵.

۴. ناظم‌الاسلام کرمانی، (۱۳۸۴)، تاریخ بیداری ایرانیان، تهران، (ج ۳)، چاپ هفتم، امیرکبیر، ص ۴۴۳ - ۴۴۶.

تا مسیر اجرای عدالت، هنوز راهی طولانی در پیش داشت و این موضوع به روشنی در دادخواهی‌های واقفان و بازماندگان آنها که به سال‌های پس از مشروطه باز می‌گردد، آشکار است.^۱

دیوان‌خانه (عدالت‌خانه) دولتی اصفهان

بی‌قانونی و نابه‌سامانی تنها قاعده رایج در پایتخت ایران نبود. وضعیت عدالت‌خانه‌ها و مراجع قضایی در دیگر نقاط ایران از جمله اصفهان به همین منوال بود. برای مثال در سال ۱۲۶۹ قمری، چراغ‌علی‌خان که دیوان‌خانه اصفهان را بر اساس حکم اولیای دولت تشکیل داد، گویا تنها وظیفه دیوان‌خانه این بود که تظلمات را نوشته، به نظر حاکم برساند. در سال ۱۲۷۵ به دستور ناصرالدین شاه، دیوان‌خانه اعظم تأسیس گشت و رئیس آن وزیر عدلیه، عباس‌قلی‌خان والی جوانشیر ملقب به معتمدالدوله بود. وی مأموریت داشت تا برای تمامی ولایات از جانب خود «دیوان‌بیگی» بفرستد. کتابچه‌ای به عنوان دستورالعمل در سی ماده نوشته شد که در آن شرح وظایف دیوان‌بیگی و مراحل کار دادرسی به طور مشروح آمده است. این قانون از نخستین قوانین تدوین شده در ایران به‌شمار می‌رفت و به طور کامل در روزنامه وقایع/تفاهیه منتشر شد.^۲ پس از چهار سال از تأسیس دیوان‌خانه به دلیل ناهم‌آهنگی بین حکام ولایات و اجزا و لوازم حکومتی، مقرر گردید تنها یک نفر نماینده دیوان‌خانه اعظم به ولایات فرستاده شود تا اجرای احکام دیوان‌خانه تهران را شاهد باشد. در این زمان اعتمادالسلطنه وزیر عدلیه بود. تغییرات جدید به تفصیل در روزنامه دولت علیّه ایران آمده است.^۳

دیوان‌خانه‌ها در زمان میرزا حسین‌خان مشیرالدوله وزیر عدلیه دوباره احیا گردید. در روزنامه/ایران سال ۱۲۹۶ قمری آمده است که اجزای دیوان‌خانه تازه تأسیس اصفهان، همه‌روزه در عمارت کاج به منظور رسیدگی به عرض مظلومان حاضرند. اجزای دیوان‌خانه را حکام معین می‌کردند. در اصفهان، میرزا سلیمان‌خان رکن‌الملک رئیس این اداره بود و تا سال ۱۳۲۴ قمری که کتیبه مسجدش را می‌نوشتند و او را «میر مسند دیوان» خوانده‌اند،

۱. نک: بخش ضمائم اسناد مربوط به شکایات واقفان از جمله سند شماره ۲۲۰۵۶-۲۹۷۰ (ج).

۲. ش ۴۰۷، ۱۱ ربیع الثانی ۱۲۷۵؛ برای اطلاعات بیشتر نک: عبدالمهدی رجایی، (۱۳۸۲)، تاریخ اجتماعی اصفهان در عصر ظلّ السلطان (از نگاه روزنامه فرهنگ اصفهان)، ص ۴۴، اصفهان، چاپ اول، دانشگاه اصفهان.

۳. ش ۵۳۵، ۱۷ رجب ۱۲۷۹. برگرفته از: تاریخ اجتماعی اصفهان در عصر ظلّ السلطان (از نگاه روزنامه فرهنگ اصفهان)، ص ۴۵.

بر این سمت باقی بود و از عهده آن خوب برآمد. با این همه، وجود عدالت‌خانه به منظور رسیدگی به وضعیت اوقاف اصفهان و شکایات واقفان یا متولیان موقوفه‌ها کافی نمی‌نمود. تنها پس از تأسیس ادارات اوقاف در شهرستان‌ها (۱۳۲۸ق) از جمله اصفهان، به آرامی تغییراتی در جهت نظم و سامان‌بخشیدن به اوقاف اصفهان انجام گرفت. با این حال، اداره اوقاف اصفهان مدت‌ها فاقد آمار و اطلاعات درست از صورت املاک و مستغلات وقفی بود تا با توجه به آن بتواند به وضعیت موقوفات اصفهان رسیدگی کند. در حاشیه پاسخ‌نامه یکی از متولیان مدرسه چهارباغ سلطانی، وزارت اوقاف و معارف از انجمن ولایتی اصفهان در سال ۱۳۲۶ قمری، درخواست کرد تا آمار موقوفات اصفهان به همراه جزییات آن را به صورت کتابچه‌ای تهیه کند و به وزارت عدلیه بفرستد.^۱ اداره اوقاف در پی این نامه، فهرستی از صورت آمار موقوفات اصفهان و اردستان^۲ را پس از گذشت ده سال (۱۳۳۶ ق) تهیه کرد و به وزارت اوقاف فرستاد.

تشکیلات وزارت معارف و اوقاف قبل از تأسیس وزارت‌خانه

دولت با مفهوم امروزی که در رژیم‌های دموکراسی پارلمانی وجود دارد، در دوره قاجار قبل از مشروطه وجود نداشت. اگر تشکیلاتی هم در این دوره شکل گرفت، تنها برای حفظ ظاهر و در حکم سرپوشی بود که بر روش سلطنت استبدادی مطلق پادشاهان قاجار گذاشته می‌شد. نخستین بار در زمان فتحعلی‌شاه، اولین هیأت دولت با چهار وزیر و یک صدر اعظم زمام امور را در دست گرفت. قبل از استقرار مشروطه و شکل‌گیری وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه در مجلس شورای ملی وزرای معارف را شخص شاه انتخاب می‌کرد. وزیر اوقاف نیز به تشخیص و صلاحدید خود، افرادی را به عنوان نماینده خویش در ولایات کشور انتخاب می‌نمود و تقریباً همیشه این سمت در دست افراد روحانی قرار داشت.^۳ اعتمادالسلطنه فهرست افرادی که سمت وزارت معارف را در کنار دیگر

۱. تلگراف از وزارت اوقاف و معارف به انجمن ولایتی اصفهان، ۲۶ ربیع الثانی ۱۳۲۶ ق، ۲۸۸۸۳-۲۹۷۰، سازمان اسناد و مدارک ملی ایران، (نک: بخش ضمایم (د)، سند ش ۲۸۸۸۳-۲۹۷۰).

۲. این سند به شماره ۲۹۷۰۲۱۳۸۵ مربوط به آمار موقوفات اصفهان و اردستان به همراه جزییات آن شامل: محل رقبات، واقف، متولی، مصرف عایدی و تاریخ وقف معین شده است. این آمار به صورت لیستی در نامه‌ای هشت صفحه‌ای از اداره اوقاف اصفهان به وزارت اوقاف و معارف در سال ۱۳۳۶ قمری فرستاده شده است (نک: بخش ضمایم (ه) سند شماره ۲۹۷۰۲۱۳۸۵).

۳. گُزَن، ایران و مسأله ایران، ص ۳۷ - ۳۸؛ رنه دالمانی، سفرنامه از خراسان تا بختیاری، ص ۷۲ - ۷۳؛ شمیم، ایران در دوره سلطنت قاجار، ص ۱۹۳ - ۱۹۵ و ۳۴۲ - ۳۴۳.

مناصب دولتی در دوره ناصرالدین شاه به عهده داشته‌اند، بدون ذکر تاریخ و مدت وزارت به شرح ذیل تهیه نموده است:

میرزا شفیع آشتیانی صاحب دیوان، میرزا کاظم خان نوری، میرزا فضل‌الله، میرزا هدایت‌الله، میرزا تقی مستوفی، میرزا محمد حسین قزوینی، میرزا محمدخان مجدالملک (سه نوبت)، حاج علی خان اعتمادالسلطنه، عبدالعلی خان ادیب‌الملک، میرزا حسین خان سپه‌سالار، میرزا محمد قوام‌الدوله، میرزا عبدالله خان علاء‌الملک قزوینی، میرزا علی خان امین‌الملک، میرزا تقی خان مجدالملک.^۱

پیش از نهضت مشروطه، حکومت مداخله اندکی در اداره اوقاف داشت، اما اقدامات مختلفی به عمل آمد که در نظر علما، نشان‌دهنده مقصد نهایی دولت در جهت نظارت بر درآمد اوقاف بود. زمانی که میرزا حسین خان عضدالملک در سال ۱۲۷۱ قمری، به وزارت وظایف و اوقاف منصوب شد، مقرر گردید که متصدیان امور اوقاف نباید هیچ اقدامی بدون اطلاع او یا مباشر وی به عمل آورند و موظفند سالانه گزارشی از عایدات و هزینه‌هایشان را به او ارائه دهند.

نظام تشکیلاتی کشور پیوسته در تغییر بود. در سال ۱۲۷۴ قمری، ناصرالدین شاه برای جلوگیری از تمرکز قدرت و اختیارات، امور مملکتی را بین شش وزارتخانه تقسیم کرد که یکی از آنها وزیر وظایف و اوقاف بود. نظارت بر مستمری‌ها و درآمد و عایدات اوقاف، از وظایف وزارتخانه بود. در زمان صدارت میرزا حسین خان سپه‌سالار، تعداد وزارتخانه‌ها به نه مورد افزایش یافت ۱۲۸۹ قمری وزارت وظایف و اوقاف، وزارت فواید عامه تغییر نام داد و حسن‌علی خان گروسی، سفیر استانبول به سمت وزارت آن رسید.^۲ میرزا حسین خان که هم‌زمان با منصب صدارت، تصدی وزارت عدلیه و اوقاف را به عهده داشت، فرمانی در جهت اصلاح و بهبود اوقاف صادر کرد (۱۲۸۸ ق). وی در کتابچه گزارش‌های خود به ناصرالدین شاه، ضمن شرح حیف و میل موقوفات و عواید آن توسط موقوفه‌خوران و متولیان، عمل کرد آنها را زیر سؤال برد:

باید معلوم گردد آیا متولی املاک موقوفه، عایدات آنها را صرف خرج مقرر می‌کند یا صرف معاش خود می‌نماید؟^۳

۱. محمدحسن اعتمادالسلطنه، (۱۳۰۶ تاریخ نگارش)، *المآثر والآثار*، انتشارات کتابخانه سنایی، باب چهارم، ص ۱۷ و ۱۸.

۲. مستوفی، شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه، ج ۱، ص ۱۲۱ و ۱۲۴.

۳. آدمیت، اندیشه ترقی و حکومت قانون عصر سپه‌سالار، ص ۱۸۸.

سپه‌سالار متولیان را مکلف کرد که از آن پس با اطلاع حاکمان، ثبت صحیح و جمع و خرج موقوفات را برای وزارت اوقاف بفرستند. وی چنین اشاره کرد:

تا به حال مالیاتی که به موقوفات تعلق می‌گرفت، قابل قیاس با مالیات ملک اربابی نیست. این رعایت برای عمران موقوفات لازم به نظر می‌آمد. اکنون که متولیان مال اوقاف را حلال می‌دانند و تفاوت عمل آن را به مصرف صحیح نمی‌رسانند و اصل موقوفه را تیول خویش می‌شمارند، آن جانب‌داری و رعایت چرا؟^۱

او درصدد سخت‌گیری بر متولیان و افزایش مالیات موقوفات بود. در بازنگری تقسیم کار وزارت‌خانه که توسط ناصرالدین شاه در سال ۱۲۹۹ صورت گرفت، بار دیگر این وزارت‌خانه با عنوان وزارت‌خانه معارف و اوقاف و پست، یکی از سیزده وزارت‌خانه‌ای بود که وزیر آن، مدیریت داخلی مجلس وزرا را نیز بر عهده داشت. به طور کلی، وضعیت موقوفات کشور تا دوره مظفرالدین شاه و انقلاب مشروطه، کم و بیش به شیوه پیشین اداره می‌شد.^۲

به طور کلی، وضع اداره موقوفات مذهبی در سراسر حکومت قاجار ثابت ماند؛ زیرا دولت مایل نبود با برهم زدن بی‌نظمی و آشفتگی در تشکیلات اوقاف برجای‌مانده از دوران پیشین و احتمالاً دادن منصبی مشابه آن‌چه در دولت صفوی رخ داد، بر قدرت سیاسی و مادی روحانیان بیفزاید.

اوقاف و مجلس در پنج دوره قانون‌گذاری

آغاز تشکیلات فعلی اوقاف در ایران، به طور قطع پس از استقرار مشروطیت و با تغییراتی هم‌گام بود که در نظام اداری کشور پدید آمد. در دوره اول مجلس، تقسیم وظایف بین وزارت‌خانه‌ها، به دلیل تازه تأسیس بودن آن به تناسب صورت نگرفته و گاه وظایف متفاوت و نامتناسبی بر عهده یک وزارت‌خانه بود. از نواقص دیگر، نبود نظام‌نامه‌ای منسجم در خصوص وظایف و عمل‌کرد وزارت‌خانه اوقاف و فقدان ادارات و شعبات تحت نظارت آن بود که این خود تجمع وظایف متعدد در این وزارت‌خانه را سبب شده بود. در دوره‌های بعد، به تدریج نواقص برطرف گردید. در دوره اول، اداره اوقاف جزئی از وزارت علوم و معارف به‌شمار می‌آمد و اداره مدارس، اوقاف، مطبوعات، حفریات موزه و ابنیه عتیقه، از وظایف آن بود.^۳

۱. همان.

۲. ایران در دوره سلطنت قاجار، ص ۳۴۳.

۳. CD مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره اول، جلسه اول.

به دلیل نبود تشکیلات قضایی سالم و شعب و ادارات اوقاف در شهرستان‌ها تا این زمان، مردم شکایات خود را مستقیم به مجلس می‌فرستادند.^۱ به تدریج که دامنه کارهای معارف و اوقاف گسترش یافت و اجرای امور هر دو بخش به وسیله یک شخص در عمل ناممکن گردید، ادارات اوقاف در مرکز و شهرستان‌ها از بخش معارف جدا شد و برای هر بخش، مسئولان جداگانه‌ای تعیین گردید. به دنبال آن، اداره اوقاف در برخی از نقاط کشور تأسیس شد.^۲

مجلس دوم به وضع قوانین تشکیلاتی وزارتخانه پرداخت و اولین سنگ بنای مقررات وقف و همچنین بنیان‌گذاری نظام جدید قضایی کشور شکل گرفت. اداره کل اوقاف در قانون اساسی وزارت معارف و اوقاف، یکی از ادارات وزارت نام‌برده و جزء تشکیلات داخلی وزارتخانه محسوب می‌شد و تا سال ۱۳۲۸ ادارات اوقاف در مرکز و شهرستان‌ها از هم جدا نشد.^۳

تشکیلات اداری وزارتخانه در ماده اول از فصل قانون اداری مصوب ۲۸ شعبان ۱۳۲۸ قمری بدین ترتیب است:

۱. دایره وزارت؛
۲. مدیر کل؛
۳. اداره تعلیم عمومی؛

۱. چنان‌که در گزارشی از کاشان که به مجلس فرستاده شده بود، شکایت از تصرف موقوفاتی که در دست آقا شیخ احمد بوده توسط سیدمحمد کاشانی با در دست داشتن وقف نامه‌ای و حکمی صادره از حجج اسلام عتبات مبنی بر این‌که تولیت واقعی موقوفه از آن اوست، وزارت اوقاف هم بر این اساس موقوفه را از شیخ احمد گرفته و به تصرف محمد کاشانی درآورده است. کمیسیون مجلس، عمل وزارت اوقاف را تصویب می‌کند اما به شیخ احمد اجازه داده می‌شود تا اظهارات خود را به عدلیه ارائه دهد. دوره دوم، جلسه ۴۹.

۲. نک: بخش ضمائم (و) سند شماره ۲۳۵۵۴-۲۹۷۰، سازمان اسناد و مدارک ملی ایران.

۳. یکی از مباحث بسیار وقت‌گیر مجلس دوره دوم، لزوم تأسیس اداره اوقاف و دوهزار تومان اعتبار برای تأسیس آن بوده است. تا آن زمان سه وزارتخانه «وزارت فواید عامه، وزارت معارف و وزارت اوقاف» در یک وزارتخانه جمع شده بود در حالی که هر یک از آنها می‌بایست وزارتخانه‌ای مستقل می‌بود. ترتیب کار وزارت معارف و اوقاف، بدین صورت بود که فردی به عنوان منشی در یکی از اتاق‌های مدرسه دارالفنون می‌نشسته و جواب شکایات مردم را می‌نوشته است. از جمله کسانی که با طرح اعتبار بودجه به بخش معارف و تأسیس ادارات اوقاف موافق بود، معاضدالسلطنه معاون وزیر علوم بوده است. وی می‌گوید: «مسأله اوقاف در مملکت بسیار اهمیت دارد و یک یا دو ثلث مباحث مملکتی است. هر روز افراد زیادی به این اداره رجوع دارند؛ باید اداره‌ای جواب‌گوی ارباب رجوع باشد. اگر اداره اوقاف تأسیس شود، راه عایدی فوق‌العاده‌ای برای مملکت و عموم مردم می‌شود.» مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره دوم، جلسه ۱۶۵.

۴. اداره معارف؛
۵. اداره اوقاف؛
۶. دایره تحقیقات؛
- ۷ و ۸ و ۹. سایر دوایر و شعب ذکر شده است.^۱
- در ماده ۶ و ۷ از فصل دوم قانون وظایف اداره اوقاف و تحقیق، این گونه آمده است:
- ماده ششم - وظایف اداره اوقاف:^۲
۱. تهیه صورت صحیح از وقف نامه‌ها، موقوفات مرکزی، ایالتی و ولایتی و بلوکات سراسر کشور؛^۳
 ۲. نظارت کلی بر عمل کرد متولیان، ناظران و تفتیش در وصول عایدات اوقاف و ممانعت از حیف و میل اولیا و مباشران وقف نسبت به منافع موقوفات و تدارک آبادی و عمران آنها؛
 ۳. اداره کردن موقوفاتی که تولیت آنها مستقیماً زیر نظر شخص سلطان عصر یا دولت است (در متمعن قانون اداری وزارت اوقاف و معارف مصوب ۲۹ جمادی الاخری ۱۳۲۹ این طریق اصلاح گردیده است: ماده ۱۲ - اداره کردن وزارت معارف و اوقاف موقوفاتی که تولیت آنها تحت نظارت سلطان عصر است، منوط به اجازه او خواهد بود)؛
 ۴. مراقبت در صرف عایدات اوقاف به مصارف مورد نظر واقف؛
 ۵. اهتمام در صرف منابع موقوفاتی که مصرف معین ندارد و باید در جهت تعلیمات و امور عام‌المنفعه مصرف شود؛
 ۶. اداره کردن موقوفاتی که متولی مشخص ندارد به اجازه یکی از حکام شرع.^۴
- ماده هفتم - وظایف دایره تحقیقات:
۱. رفع اختلافات بین متولی و نظار اوقاف و رجوع به عدلیه در صورت لزوم؛
 ۲. تحقیق جمع و خرج و عایدی اوقاف مختلفه؛

۱. نادر ریاحی سامانی، (۱۳۷۸)، وقف و سیر تحولات قانون‌گذاری در موقوفات، ص ۳۴، شیراز، چاپ اول، انتشارات نوید.

۲. CD مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره دوم، جلسه ۱۳۱.

۳. بر اساس این ماده، اداره کل اوقاف استان اصفهان در سال ۱۳۳۶ قمری، فهرستی از موقوفات اصفهان تهیه کرد و آن را به وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه فرستاد؛ نک: بخش ضمایم (ه) - سند شماره ۲۹۷۰۲۱۳۸۵ سازمان اسناد و مدارک ملی ایران.

۴. دوره دوم، جلسه ۱۳۱.

۳. تحقیق و تمییز املاک موقوفه از املاک شخصی.

طبق این قانون، مسئولان اداره‌های معارف ایالات و ولایات، موظف به انجام دادن امور مربوط به اوقاف بودند. ریاست اداره اوقاف و معارف هر شهر به یکی از رؤسای مدارس ملی آن شهر سپرده می‌شد و چون رئیس این اداره، عملاً می‌توانست در کار اوقاف محل دخالت کند، افراد بسیاری برای این منصب داوطلب می‌شدند. با این حال در این دوره، به دلیل اعتبار نسبی روحانیان، شعبات ادارات اوقاف نتوانست دخالت زیادی در امور اوقاف بکند.^۱ در واقع در این دوره دو قانون بسیار مهم به تصویب رسید: یکی قانون اداری وزارتخانه و تشکیلات اداری، دوایر و شعب آن و دیگری قانون مربوط به شرایط مدیران مدارس.^۲

یکی از مواردی که در جلسات متوالی درباره آن مذاکره شد و در نهایت تصویب گردید،^۳ اداره موقوفاتی بود که تولیت آن به سلطان هر عصر واگذار شده بود؛ مانند مدرسه سپهسالار که در وقف‌نامه آن تصریح شد که تولیت مدرسه، با سلطان هر عصر است. نتیجه بر این شد که تولیت آن در درجه اول به سلطان هر عصر و پس از آن به مجلس واگذار گردد، در صورتی که عمل کرد آنها منافی غرض اصلی واقف نباشد.^۴

مجلس سوم با وجود دوران کوتاه حیات خود، تلاش‌هایی برای نظم بخشیدن به اسناد وقف‌نامه‌ها و رسیدگی به عواید موقوفات و جنبه‌های مالی انجام داد. بنابراین مقرر گردید از تاریخ هفده ذی‌قعدة ۱۳۳۰ تا نهم ربیع‌الاول ۱۳۳۱، سه نفر به مرتب‌کردن مدارک و اسناد راکد پردازند.^۵ تعیین مالیات املاک موقوفه مزروعی از جمله موضوعاتی بود که در این دوره مطرح شد. نظر مخبرالسلطنه و عدل‌الملک (دادگر) در این زمینه، این بود که چون املاک موقوفه نیز از امنیت و انتظام کشور متمتع می‌شوند، باید مالیات پردازند، زیرا این نوع از اراضی تا این زمان از پرداخت مالیات معاف بودند.^۶

۱. مستوفی، شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه، ج ۲، ص ۵۱۲.

۲. موضوع رعایت شرایط داوطلبان برای تصدی پست ریاست مدارس، در دوره چهارم نیز مطرح شد و مجلس رئیس اداره‌های معارف را به رعایت آن ملزم کرد. (دوره چهارم، جلسه ۶۲).

۳. در دوره دوم، جلسات ۱۶۸، ۱۷۳، ۲۵۲، ۲۵۴، ۲۵۶، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵ درباره تولیت اوقافی که بر عهده سلطان عصر است، مذاکرات طولانی به عمل آمد.

۴. دوره سوم، جلسات ۲۵۶، ۲۶۳، در جلسه ۲۶۵ موضوع به تصویب نهایی رسید.

۵. دوره سوم، جلسات ۱۲، ۱۳، ۲۵.

۶. دوره سوم، جلسه ۶۱ وزیر اوقاف و معارف و صنایع مستظرفه در این دوره آقای حکیم‌الملک بود.

قانون اعتبار بودجه برای روشنایی بقاع متبرکه و مقابر مختلف، از جمله قوانین مرتبط با اوقاف در دوره چهارم بود که به تصویب مجلس رسید. چگونگی اداره مدارس متوسطه و توازن بین عایدات و مخارج مدارس، از موضوعات دیگر مورد بحث بود. تدین وزیر وقت وزارت معارف و اوقاف، با اشاره به ماده ۵ (به توسعه و تکمیل معارف کشور و صرف عایدات و موقوفاتی مربوط می‌شود که شروط آن نامشخص و نامتعارف است) از عمل کرد نادرست اداره‌های اوقاف انتقاد کرده است. وی ابراز می‌دارد که اداره‌ها پس از کسر عَشْر عایدات، مابقی را تا به حال به وزارت اوقاف وصول نکرده‌اند.^۱

از مباحث دیگری که شیخ ابراهیم زنجانی درباره اوقاف مطرح کرد مذاکره بر سر برخی موارد ماده ۶ قانون اوقاف است که در آن تصریح شده است: «از جمله وظایف اداره اوقاف، نظارت بر اعمال متولیان، مراقبت در صرف عایدات اوقاف و حضور دو عالم در وزارت‌خانه است.» وی حضور افراد متخصص در مباحث فقهی را در وزارت‌خانه لازم می‌داند تا از این طریق، دوگانگی عمل کرد بین واقفان و اداره‌های اوقاف از بین برود؛ اما مذاکرات به نتیجه نهایی نرسید.^۲ در دوره پنجم، برای حل این معضل قانونی و هم‌آهنگی بیشتر بین عمل کرد وزارت‌خانه اوقاف و اداره‌های وابسته به آن، قانونی به تصویب رسید که در جای خود مطرح می‌گردد.

مصوبه دیگر مجلس دوره چهارم، در مورد اداره موقوفاتی است که متولی مشخصی ندارد. به موجب ماده ۶ قانون اوقاف، حاکم شرع به وزارت‌خانه، اجازه اداره چنین موقوفاتی را واگذار کرد. این موقوفات به دو دسته تقسیم می‌شود:

۱. موقوفاتی که مصارف مشخص دارد و باید به مصارف خودش برسد.
 ۲. موقوفاتی که مصارف مشخص ندارد و باید صرف خیرات شود.^۳
- در مجلس پنجم، مذاکراتی به عمل آمد تا بودجه هر قسمت از اجزای وزارت‌خانه تفکیک شود.^۴ برخی از نمایندگان، مخالف تفکیک بودجه بودند که از آن جمله می‌توان به

۱. همان، دوره چهارم، جلسه ۳۲. در کابینه سید ضیاء، وزیر اوقاف و معارف و صنایع مستظرفه آقای نیرالملک (هدایت) و دکتر مؤدب الدوله (نفیسی) وزیر صحت و خیرات عمومی بود. در کابینه مشیرالدوله نیرالملک باز هم تصدی وزارت اوقاف را به عهده داشت. در کابینه قوام السلطنه، عمیدالسلطنه وزارت اوقاف را در دست گرفت و در کابینه مستوفی الممالک، محتشم السلطنه وزیر اوقاف بود و در کابینه اول سردار سپه حکیم‌الملک، تصدی وزارت اوقاف را به عهده داشت.

۲. دوره چهارم، جلسه ۵۹.

۳. دوره چهارم، جلسه ۶۰. گفتنی است در این زمان آقای نیرالملک وزیر معارف وقت است.

۴. دوره پنجم، جلسه ۹۴. در مجلس پنجم، کابینه اول سردار سپه؛ سلیمان میرزا (اسکندری) وزیر اوقاف و معارف و صنایع مستظرفه شد و در کابینه دوم وی، مشارالدوله به این سمت منصوب گردید.

آقای تدین اشاره نمود. عده‌ای نیز مانند شیخ‌الرئیس، موافق موضوع بودند. در نهایت موضوع به تصویب رأی اکثریت نرسید.^۱ یکی از مصوبات بسیار خوب مجلس دوره پنجم، امضای قراردادی بین وزارت عدلیه و وزارت اوقاف، برای هم‌آهنگی عمل کرد بین این دو سازمان اداری بود. در این مصوبه، تأیید شده که بین احکام صادره از سوی اداره اوقاف و محاکم استیناف عدلیه، نباید هیچ گونه تناقضی وجود داشته باشد.^۲

در مجموع پنج دوره از مذاکرات مجلس شورای ملی، بیشترین جلسات مذاکره در مورد اوقاف و معارف کشور و حل معضلات مربوط به آن را مجلس دوم با ۳۱ جلسه و کمترین جلسات بحث درباره مسایل مرتبط با معارف و اوقاف کشور به مجلس اول اختصاص داشت. از نظر کیفی و قانون‌گذاری نیز در مجلس دوم بهترین و کارآمدترین قوانین تنظیم شد.

نتیجه

وقف در ایران اسلامی، راحت‌ترین و عمومی‌ترین سنتی است که نفوذ آن را در زندگی روزمره انسان‌ها سراغ داریم و از مختصات نظام حقوقی و اقتصادی اسلام است که به صورت تعاونی تکامل یافته درآمده و جوامع اسلامی را دوام و قوام بخشیده است. اما در دوره مورد بحث، اوقاف کشور در مقایسه با دوران پیشین وضعیت کاملاً متفاوتی داشت. دولت قاجار به چند دلیل نتوانست رسالت تاریخی خود را در زمینه‌سازی جذب سرمایه‌های مردمی و گسترش رفاه عمومی به درستی ایفا نماید که به طور اختصار به آنها می‌توان اشاره نمود:

۱. بخشی از این ناکارآمدی به دوران گذشته باز می‌گردد. اداره موقوفات با ضعف حکومت‌های مرکزی مختل می‌شد به خصوص سیاست‌های نادرشاه و پس از آن حملات افغانه، سبب گردید که بسیاری از دفاتر دیوانی اوقاف کشور نابود شود.

۲. اوقاف کشور به دلیل کشمکش‌های سیاسی بین روحانیان و دولت و همچنین ممانعت از دخالت روحانیان در مسائل اداری، بی‌اعتمادی مردم در مسائلی مانند وقف را سبب گردید.

۳. ناتوانی دولت در ابعاد گوناگون قبل و پس از تأسیس مجلس؛ همچنین نبود امنیت اجتماعی، اقتصادی و مسائلی از این دست که از مباحث اصلی جلب سرمایه‌گذاری در اوقاف کشور بود، عاملی مهمی در این زمینه محسوب می‌شد.

۱. دوره پنجم، جلسه ۹۵.

۲. دوره پنجم، جلسه ۹۴.

دولت‌مردان اگرچه تلاش‌هایی در جهت بهبود وضعیت اوقاف صورت دادند، به دلیل بسترسازی نامناسب، اجرای برنامه‌ها با ناکامی روبه‌رو بود. مجلس شورای ملی نیز به دلیل گستردگی مشکلات، همراهی نکردن حکومت و درگیری با مسائل گوناگون، نتوانست در جهت اصلاح وزارت اوقاف و معارف کشور گامی مؤثر بردارد. اگرچه قوانین خوبی به ویژه در مجلس دوم به تصویب رسید، عملاً گامی مؤثر در این زمینه برداشته نشد و وضع قوانین بدون ضمانت اجرایی ناکام ماند. این نارضایتی به روشنی، در اسناد مرتبط با واقف‌کنندگان شهر اصفهان که به دوره پس از تشکیل مجلس باز می‌گردد، تبیین‌کننده این مسأله است.



منابع

۱. الریس، ضیاء الدین، خراج و نظام‌های مالی دولت‌های اسلامی (از آغاز تا نیمه دوم قرن سوم ق)، ترجمه فتحعلی اکبری، اصفهان، چاپ اول، دانشگاه اصفهان، ۱۳۷۳.
۲. الگار، حامد، دین و دولت در ایران: نقش علما در دوره قاجار، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران، چاپ دوم، توس، ۱۳۶۹.
۳. ابن اثیر، عزالدین ابی‌الحسن علی، *الکامل فی التاریخ*، جزء ثانی (جلد دوم)، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۹۹۹ م.
۴. امام جمعه‌زاده، سیدجواد، «نقش وقف در بهبود اوضاع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی»، *وقف میراث جاویدان*، ش ۲، سال هشتم، ۱۳۷۹.
۵. احمدی، نزهت، پایان‌نامه‌های دکتری نهاد وقف، دگرگونی‌ها و کارکردهای فرهنگی - مذهبی آن در عصر صفوی (۱۳۸۰)، دانشگاه الزهراء، استاد راهنما: دکتر عبدالحسین نوائی، استاد مشاور: دکتر هادی عالم‌زاده.
۶. اعتمادالسلطنه، محمدحسن، *المآثر و الآثار*، انتشارات کتابخانه سنایی، بی‌تا.
۷. انصاری، هرمز، *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی اصفهان*، به کوشش احمد جواهری، تهران، چاپ اول، نقش جهان، ۱۳۷۹.
۸. آبراهامیان، پرواند، *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمد گل‌محمدی و محمدابراهیم فتاحی، تهران، چاپ سیزدهم، نی، ۱۳۸۷.
۹. آدمیت، فریدون، *امیرکبیر و ایران*، تهران، چاپ هفتم، خوارزمی، ۱۳۶۲.
۱۰. _____، *اندیشه ترقی و حکومت قانون عصر سپسالار*، تهران، چاپ سوم، خوارزمی، ۱۳۸۵.
۱۱. _____، *افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده دوران قاجار*، تهران، چاپ اول، آگاه، ۲۵۳۶ شاهنشاهی.
۱۲. باستانی پاریزی، محمدابراهیم، *سیاست و اقتصاد عصر صفوی*، تهران، چاپ دوم، صفی‌علیشاه، ۱۳۵۷.
۱۳. بروشکی، محمد مهدی، *بررسی روش اداری و آموزشی ربع رشیدی*، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۵.
۱۴. حجتی، سیدمحمدباقر، «*آشنایی با مؤسسه وقف دراسات العلوم الاسلامیه*»، وقف میراث جاویدان، سال پنجم، ش ۱۷، بی‌تا.

۱۵. بوسه، هربرت، پژوهشی در تشکیلات دیوان اسلامی، تهران، ترجمه غلامرضا ورهرام، چاپ اول، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۷.
۱۶. پطروشفسکی، آ. ب و جان ماسون اسمیت، تاریخ اجتماعی - اقتصادی دوره مغول، ترجمه یعقوب آژند، تهران، اطلاعات، ۱۳۶۶.
۱۷. جعفریان، رسول، دین و سیاست در تشکیلات دیوان اسلامی، تهران، چاپ اول، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۰.
۱۸. خضری، سیداحمدرضا، تاریخ تشیع ۲، تهران، چاپ چهارم، سمت، ۱۳۸۶.
۱۹. دالمانی، هانری رنه، سفرنامه از خراسان تا بختیاری، ترجمه فره وشی، تهران، کتابفروشی ابن سینا، ۱۳۳۵.
۲۰. دولت‌آبادی، یحیی، حیات یحیی، (ج ۱ و ۲)، تهران، چاپ اول، فردوس، ۱۳۸۷.
۲۱. دهقان، مرضیه، پایان نامه کارشناسی ارشد: «نقش نهاد وقف در دگرگونی های اجتماعی - فرهنگی شهر مشهد در دوره صفوی»، (۱۳۸۵)، دانشگاه الزهراء.
۲۲. رنجبر، محمدعلی، «متولیان مدرسه منصوریه شیراز»، گنجینه اسناد، سال هشتم، ش ۳۱ و ۳۲، دفتر سوم و چهارم، ۱۳۷۷.
۲۳. ریاحی سامانی، نادر، وقف و سیر تحولات قانون گذاری در موقوفات، شیراز، چاپ اول، انتشارات نوید، ۱۳۷۸.
۲۴. سپینتا، عبدالحسین، تاریخچه اوقاف اصفهان، اصفهان، اداره کل اوقاف اصفهان، ۱۳۴۶.
۲۵. سلطان زاده، حسن، تاریخ مدارس ایران، تهران، چاپ اول، آگاه، ۱۳۶۴.
۲۶. سلیمی فر، مصطفی، وقف و آثار اجتماعی - اقتصادی آن، مشهد، چاپ اول، بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰.
۲۷. _____، مجموعه مقالات وقف و تمدن اسلامی، «وقف بسترساز توسعه اقتصادی»، (ج ۲)، تهران، چاپ اول، اسوه، ۱۳۸۷.
۲۸. شمیم، علی اصغر، ایران در دوره سلطنت قاجار، تهران، چاپ دوم، زریاب، ۱۳۸۰.
۲۹. شهبابی، علی اکبر، تاریخچه وقف در اسلام، تهران، چاپ اول، اداره کل اوقاف، ۱۳۴۳.
۳۰. صالحی، سمیه و مرضیه داوری، «ارزیابی فنی و حقوقی نظام حساب رسی و نظارت مالی بر موقوفات ایران (تحلیلی تاریخی - اصلاحی)»، مجموعه مقالات وقف و تمدن اسلامی، ۱۳۸۷.
۳۱. عالم زاده، هادی، «نخستین موقوفه در اسلام»، وقف میراث جاویدان، ش ۳، سال اول، ۱۳۷۲.

۳۲. عبادی، صادق، *ساختار وقف در جهان اسلام*، تهران، چاپ اول، اسوه، ۱۳۸۶.
۳۳. غنیمه، عبدالرحیم، *تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی*، ترجمه نورالله کسایی، تهران، چاپ سوم، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
۳۴. فوران، جان، *مقاومت شکننده تاریخ تحولات ایران* (از سال ۱۵۰۰ میلادی مطابق با ۷۸۹ شمسی تا انقلاب)، ترجمه احمد تدین، تهران، چاپ ششم، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۸۵.
۳۵. کُرنز، جرج ناتانیل، *ایران و مسأله ایران*، ترجمه علی جواهرکلام، تهران، چاپ سوم، ابن سینا، ۱۳۴۷.
۳۶. کرمانی، ناظم‌الاسلام، *تاریخ بیداری ایرانیان*، ج ۳، تهران، چاپ هفتم، امیرکبیر، ۱۳۸۴.
۳۷. کریمیان، علی، *اسناد موقوفات آستان قدس رضوی در هرات (۱۱۸۱-۱۳۶۰ ق)*، تهران، چاپ اول، سازمان اسناد، ۱۳۷۸.
۳۸. کسایی، نورالله، *مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن*، تهران، چاپ سوم، امیرکبیر، ۱۳۷۴.
۳۹. کمپفر، انگلبرت، *در دربار شاهنشاهی ایران (سفرنامه کمپفر)*، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران، چاپ سوم، خوارزمی، ۱۳۶۳.
۴۰. لمبتون، آ. ک. س، *مالک و زارع در ایران*، ترجمه منوچهر امیری، تهران، چاپ دوم، بنگاه نشر و ترجمه کتاب، ۱۳۴۵.
۴۱. لمبتون، آن و کرک نیتون، *بررسی موقوفات ایران (در قرون ۶ تا ۸ هجری)*، ترجمه مجتبی کیانی، *وقف میراث جاویدان*، ش ۴۹، سال سیزدهم، ۱۳۸۴.
۴۲. مافروخی اصفهانی، مفضل بن سعد، *محاسن الاصفهان*، ترجمه حسین بن محمد آوی، به کوشش عباس اقبال آشتیانی، اصفهان، چاپ اول، شهرداری اصفهان، ۱۳۸۵.
۴۳. مستوفی، عبدالله، *شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه*، (ج ۱ و ۲)، تهران، کتاب‌فروشی محمدعلی علمی، ۱۳۲۴.
۴۴. مک چسنی، رابرت د، «وقف و سیاست ملی در دوره صفویه (۱۰۱۱ - ۱۰۲۳ ق)» / ۱۶۰۲ - ۱۶۱۴ م»، ترجمه گیتی عمادزاده، ش ۵۷، سال پانزدهم، ۱۳۸۶.
۴۵. میرزا سمیعا، محمد سمیع، *تذکره الملوک (به همراه تعلیقات مینورسکی)*، ترجمه مسعود رجب‌نیا، به کوشش محمد دبیر سیاقی، تهران، چاپ دوم، امیرکبیر، ۱۳۶۸.
۴۶. مینورسکی، ولادیمیر، *سازمان اداری حکومت صفوی*، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران، کتاب‌فروشی زوار، ۱۳۳۴.

۴۷. نجفی، حافظ، «وقف در سیره معصومین»، وقف میراث جاویدان، ش ۴۵، سال دوازدهم، ۱۳۸۳.
۴۸. نرشخی، ابوبکر محمدبن جعفر، تاریخ بخارا، ترجمه ابونصر بن محمد بن نصر قباوی تلخیص محمد بن زفر، به تصحیح محمدتقی مدرس رضوی، تهران، چاپ دوم توس، ۱۳۶۳.
۴۹. نصر، محمد عارف، ساختار وقف در جهان اسلام، ترجمه و نگارش صادق عبادی، تهران، چاپ اول، اسوه، ۱۳۸۶.
۵۰. همدانی، رشیدالدین فضل‌الله، وقف‌نامه ربع رشیدی، به کوشش مجتبی مینوی و ایرج افشار، تهران، انجمن آثار ملی، ۲۵۳۶ شاهنشاهی.
۵۱. هوفمان، بریژیت، «رشیدالدین فضل‌الله سازمان‌دهنده‌ای تمام‌عیار»، ترجمه فرشته سپاهانی، وقف میراث جاویدان، ش ۵۷، سال پانزدهم، ۱۳۸۶.



ضمایم

الف) اسناد منتشر شده

- مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره اول، جلسه اول.

دوره دوم، جلسات ۴۹، ۱۳۱، ۱۶۵، ۱۶۸، ۱۷۳،
۲۵۲، ۲۵۴، ۲۵۶، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵.

دوره سوم، جلسات ۶، ۱۲، ۱۳، ۲۵، ۶۱

دوره چهارم، جلسات ۳۲، ۵۹، ۶۰، ۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴.

دوره پنجم، جلسات ۹۴، ۹۵، ۱۱۵.

ب) اسناد منتشر نشده

۵۲. سند شماره ۲۹۷۰۲۱۶۷۵ (وقفنامه مدرسه متوسطه اصفهان یا صارمیه)، سازمان اسناد ملی ایران (الف).
۵۳. سند شماره ۲۹۱۰۰۲۴۹۱ (نامه‌های سیدالعرفان)، سازمان اسناد و مدارک ملی ایران (ب).
۵۴. سند شماره ۲۹۷۰۲۲۰۵۶ (شکایت‌نامه بازماندگان صدر اصفهانی)، سازمان اسناد و مدارک ملی ایران (ج).
۵۵. سند شماره ۲۹۷۰۲۸۸۸۳ (نامه‌ای در خصوص نظارت صحیح بر ابنیه موقوفه شهر اصفهان)، سازمان اسناد و مدارک ملی ایران (د).
۵۶. سند شماره ۲۹۷۰۲۱۳۸۵ (فهرست موقوفات اصفهان)، سازمان اسناد و مدارک ملی ایران (ه).
۵۷. سند شماره ۲۹۷۰۲۳۵۵۴ (شکایت‌نامه متولی موقوفات دوره صفوی)، سازمان اسناد و مدارک ملی ایران (و).
۵۸. سند شماره ۲۶۷۰۲۷۱۰۲ (شکایت‌نامه رضا قلی‌خان صدر اصفهانی)، سازمان اسناد و مدارک ملی ایران (ز).
۵۹. سند شماره ۲۹۷۰۲۱۸۲۵ (شکایت‌نامه منیژه صدر اصفهانی)، سازمان اسناد و مدارک ملی ایران (ح).
۶۰. سند شماره ۲۹۳۰۰۱۹۴۱ (شکایت‌نامه زوجه رکن‌الملک)، سازمان اسناد و مدارک ملی ایران (ط).



وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
اداره معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
(اصفهان)

دایره سمپس

نمره ۹۲

تاریخ ۲ برج اردیبهشت ۱۳۳۶
ضمیمه کی و ورقه دریافت موقوفه

۱۳
۱۹
۱۵

وزارت جیلد معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

بوجب امری از طرف وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
در خصوص ثبت و کفایت و تفهیم مردم و با در نظر گرفتن
و صورت آن در هیئت اتم ارسال می شود



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

سختن تاریخ

شماره یازدهم - زمستان ۱۳۸۹

۱۸۸



شماره ۱۱۲
تاریخ ۱۶ آبان ۱۳۳۰
وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

و وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

اداره معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

(اسفهان)

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

دایره مکتوبات

شماره ۱۱۲

در موضوع موقوفات غیر ملکی که در اختیار ادارات دولتی و دولتی و غیر دولتی
غیر معلوم را کشف نماید تا آنکه این اوقاف موقوفات معلوم کرده و موقوفه در آنها کشف
گردد لیکن این مکتوبات صرفاً جهت اطلاع است و کلیتاً بی اثر است و کلیتاً بی اثر است
که صورت آنها در دفتر ضمیمه ثبت است که در آن تاریخ - وقت بر سر مکتوبات و مکتوبات
آن در کلیتاً موقوفات را به غیر معلوم این ادارات با در اختیار آنهاست بوده اند - و کلیتاً
بر است اداره اینک که در این اوقات و مکتوبات و مکتوبات و مکتوبات و مکتوبات
باید که موقوفات معلوم شود و لیکن موقوفات که در این اوقات کشف می شود - و کلیتاً
موقوفات هم است که در این اوقات و مکتوبات و مکتوبات و مکتوبات و مکتوبات
و کلیتاً مکتوبات معلوم می شود که در این اوقات و مکتوبات و مکتوبات و مکتوبات
که مکتوبات هم است که در این اوقات و مکتوبات و مکتوبات و مکتوبات و مکتوبات

ایمان قالی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی
پرتال جامع علوم انسانی

وضعیت اوقاف در دوره قاجار با تکیه بر قوانین مجلس و...

۱۳۳۵

ردیف	تاریخ	موضوع	محل	موضوع	محل	ملاحظات
۱	۱۳۳۵	مجلس شورای اسلامی	تهران	مجلس شورای اسلامی	تهران	مجلس شورای اسلامی
شرح و تفصیل						
<p>در این جلسه که در روز پنجشنبه ۱۳۳۵ در محل مجلس شورای اسلامی تهران تشکیل گردید، آقایان ... در مورد ... بحث کردند. ...</p> <p>... (The rest of the text in the table is a dense transcription of the meeting minutes, including names of participants and the topics discussed.)</p>						

۱۳۴۵

دفتر ثبت اداره دار فکالت اشغال و تراکم

ردیف	تاریخ	موضوع	محل	موضوع	محل	ملاحظات
۱	۱۳۴۵	مجلس شورای اسلامی	تهران	مجلس شورای اسلامی	تهران	مجلس شورای اسلامی
۲	۱۳۴۵	مجلس شورای اسلامی	تهران	مجلس شورای اسلامی	تهران	مجلس شورای اسلامی
۳	۱۳۴۵	مجلس شورای اسلامی	تهران	مجلس شورای اسلامی	تهران	مجلس شورای اسلامی
۴	۱۳۴۵	مجلس شورای اسلامی	تهران	مجلس شورای اسلامی	تهران	مجلس شورای اسلامی
۵	۱۳۴۵	مجلس شورای اسلامی	تهران	مجلس شورای اسلامی	تهران	مجلس شورای اسلامی
۶	۱۳۴۵	مجلس شورای اسلامی	تهران	مجلس شورای اسلامی	تهران	مجلس شورای اسلامی

دفتر ثبت احوال اوقاف ملک اشهدان درجوان

شماره ثبت احوال	تاریخ موافقه	محل	وظیفه	توضیح	ملاحظات
(۱۲)	۱۳۰۶	کلیه اوقاف	تعمیر و مرمت	تعمیر و مرمت کلیه اوقاف	برای تعمیر و مرمت کلیه اوقاف در سال ۱۳۱۷
(۱۳)	۱۳۰۶	کلیه اوقاف	تعمیر و مرمت	تعمیر و مرمت کلیه اوقاف	برای تعمیر و مرمت کلیه اوقاف در سال ۱۳۱۷
(۱۴)	۱۳۰۶	کلیه اوقاف	تعمیر و مرمت	تعمیر و مرمت کلیه اوقاف	برای تعمیر و مرمت کلیه اوقاف در سال ۱۳۱۷

وضعیت اوقاف در دوره قاجار با تکیه بر قوانین مجلس و...

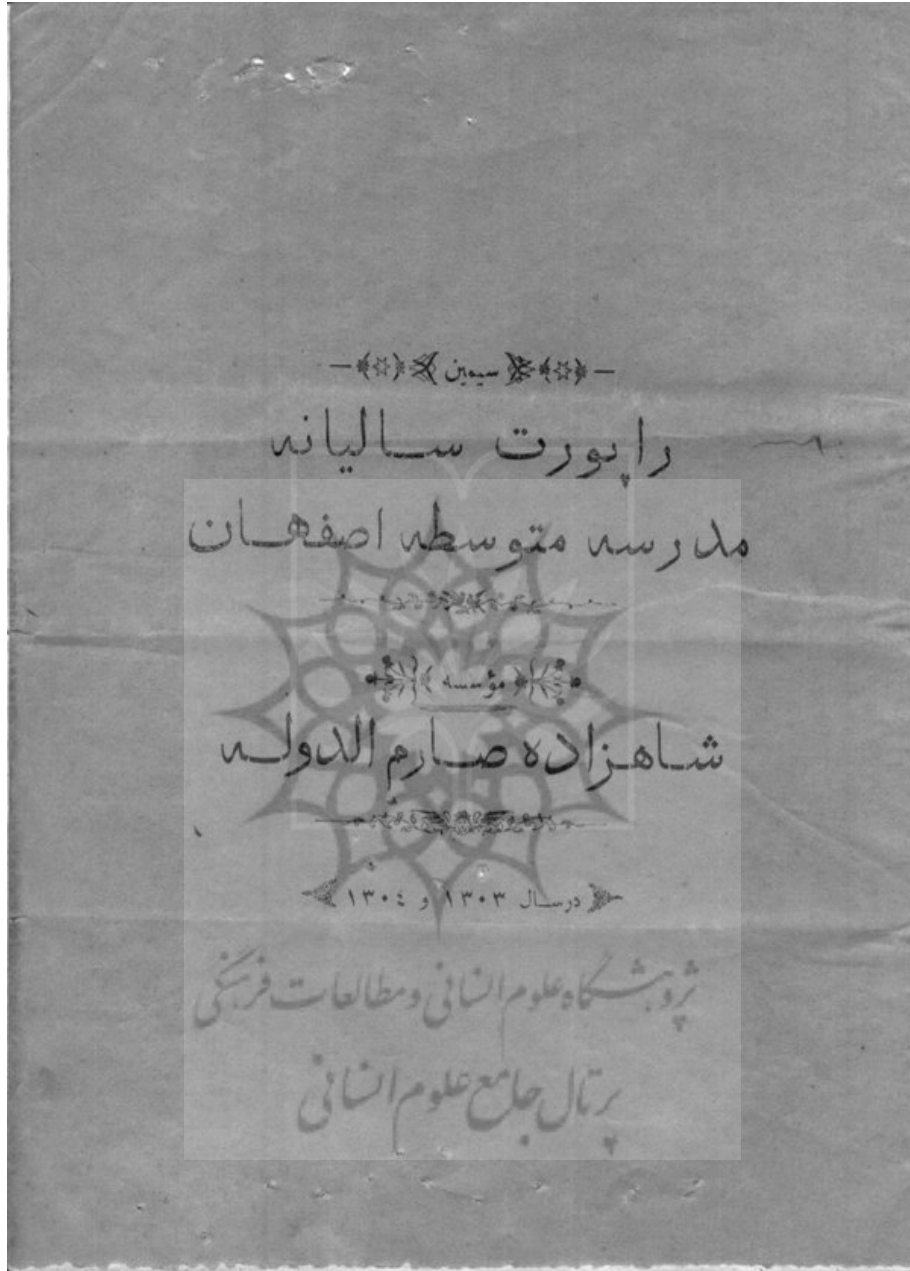
شماره ثبت احوال	تاریخ موافقه	محل	مصرف	مقدار	تاریخ موافقه		ملاحظات
					روز	ماه	
۳۱	۱۳۰۶	کلیه اوقاف	تعمیر و مرمت	۲۱۶	۱۳۰۶	۱۳۰۶	
۳۲	۱۳۰۶	کلیه اوقاف	تعمیر و مرمت	۲۷۲	۱۳۰۶	۱۳۰۶	
۳۳	۱۳۰۶	کلیه اوقاف	تعمیر و مرمت	۳۳۲	۱۳۰۶	۱۳۰۶	
۳۴	۱۳۰۶	کلیه اوقاف	تعمیر و مرمت	۵۰	۱۳۰۶	۱۳۰۶	
۳۵	۱۳۰۶	کلیه اوقاف	تعمیر و مرمت	۷۲	۱۳۰۶	۱۳۰۶	
۳۶	۱۳۰۶	کلیه اوقاف	تعمیر و مرمت	۳۳	۱۳۰۶	۱۳۰۶	
۳۷	۱۳۰۶	کلیه اوقاف	تعمیر و مرمت	۳۳	۱۳۰۶	۱۳۰۶	
۳۸	۱۳۰۶	کلیه اوقاف	تعمیر و مرمت	۱۲۰	۱۳۰۶	۱۳۰۶	
۳۹	۱۳۰۶	کلیه اوقاف	تعمیر و مرمت	۳۵۰	۱۳۰۶	۱۳۰۶	
۴۰	۱۳۰۶	کلیه اوقاف	تعمیر و مرمت	۱۵۰	۱۳۰۶	۱۳۰۶	
۴۱	۱۳۰۶	کلیه اوقاف	تعمیر و مرمت	۴۱	۱۳۰۶	۱۳۰۶	
۴۲	۱۳۰۶	کلیه اوقاف	تعمیر و مرمت	۱۵۰	۱۳۰۶	۱۳۰۶	
۴۳	۱۳۰۶	کلیه اوقاف	تعمیر و مرمت	۲۲۰	۱۳۰۶	۱۳۰۶	
۴۴	۱۳۰۶	کلیه اوقاف	تعمیر و مرمت	۲۲۰	۱۳۰۶	۱۳۰۶	
۴۵	۱۳۰۶	کلیه اوقاف	تعمیر و مرمت	۲۲۰	۱۳۰۶	۱۳۰۶	

وضعیت اوقاف در دوره قاجار با تکیه بر قوانین مجلس و...

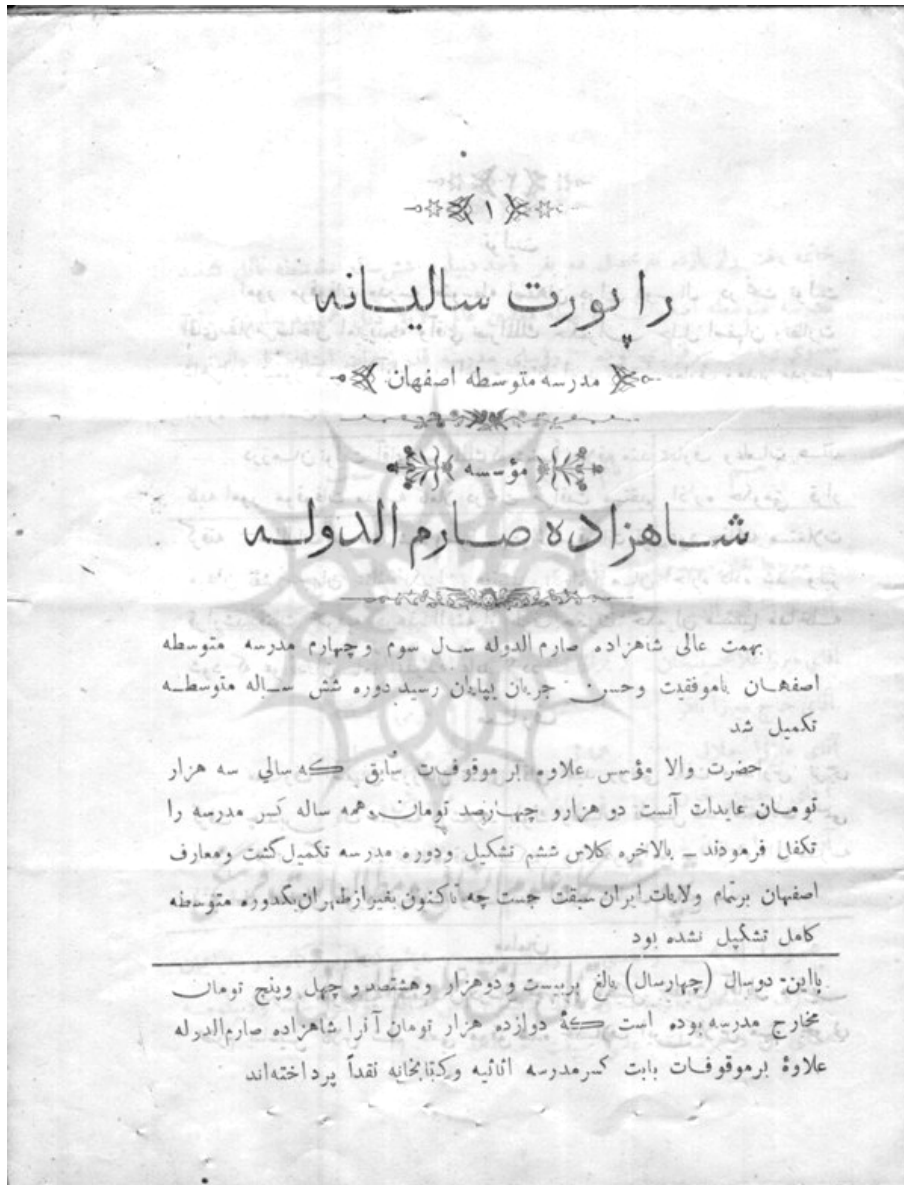
۱۵۵۲

نرد	وقف	موقوف	رقعت اوقاف و عمران	نزدان و دریا	موقوفات
۱	وقف کمالیه	وقف اوقاف	وقف کمالیه و وقف کمالیه و وقف کمالیه و وقف کمالیه	۸۰۰۰	
۲	وقف کمالیه	وقف کمالیه	وقف کمالیه و وقف کمالیه و وقف کمالیه و وقف کمالیه	۱۳۰۰	
۳	وقف کمالیه	وقف اوقاف	وقف کمالیه و وقف کمالیه و وقف کمالیه و وقف کمالیه	۱۰۰۰	
۴	وقف کمالیه	وقف اوقاف	وقف کمالیه و وقف کمالیه و وقف کمالیه و وقف کمالیه	۱۰۰۰	
۵	وقف کمالیه	وقف اوقاف	وقف کمالیه و وقف کمالیه و وقف کمالیه و وقف کمالیه	۲۰۰۰	
۶	وقف کمالیه	وقف اوقاف	وقف کمالیه و وقف کمالیه و وقف کمالیه و وقف کمالیه	۱۲۰۰	
۷	وقف کمالیه	وقف اوقاف	وقف کمالیه و وقف کمالیه و وقف کمالیه و وقف کمالیه	۷۰۰	
۸	وقف کمالیه	وقف اوقاف	وقف کمالیه و وقف کمالیه و وقف کمالیه و وقف کمالیه	۵۰۰	
۹	وقف کمالیه	وقف اوقاف	وقف کمالیه و وقف کمالیه و وقف کمالیه و وقف کمالیه	۱۳۰	
۱۰	وقف کمالیه	وقف اوقاف	وقف کمالیه و وقف کمالیه و وقف کمالیه و وقف کمالیه	۲۰۰۰	
۱۱	وقف کمالیه	وقف اوقاف	وقف کمالیه و وقف کمالیه و وقف کمالیه و وقف کمالیه	۲۰۰	

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی
میدان ولیعصر (عج) تهران



وقفنامهٔ مدرسهٔ متوسطه (صارم الدوله) شامل ۱۰ صفحه حاوی: تولیت مدرسه،
برنامه درسی و امتحانات، مساعدت وزارت معارف و خلاصهٔ وقفنامه،
سند شمارهٔ ۲۹۷۰۲۱۶۷۵



تولیت

امور موقوفات مدرسه متوسطه اصفهان در این دو سال در تحت تولیت آقای غلامرضاخان امیرنجه و آقای نصرالملک حکمران جلیل اصفهان و نظارت شاهزاده تیمور میرزا و آقای میرزا حسین خان امید رئیس معارف و مدیر مدرسه اداره شده است

در زمان تولیت آقای نصرالملک که شخصاً علاقه مند بمعارف و عملیات هستند کلیه امور موقوفات مدرسه کاملاً در تحت مراقبت مستقیم اداره حکومتی قرار گرفته - مطالبات سوخت شده وصول و عوائد موقوفات ترقی نمود چنانچه مستغلات میدان نقش جهان بکلیت بکهنه و مقصد و بناچار نوسان اجاره داده شد و نیز قرارداد قنات محمودیه در هذمه السنه از طرف حضرت حکمران مستقیماً مداخله شود که عوائد آن تماماً بمدرسه عاید گردد

معارف

معارف اصفهان در زمان تصدی آقای امید رونقی بافت و مدارس نرسجی گرفت چندین باب بمدرسه در شهر بلوک و قضایات تأسیس شد امتحانات رسمی منظم و مرتب گشت کتابخانه وقفی تشکیل و بالاخره امور معارف و مالی مدرسه متوسطه اصفهان مورد مراقبت و مساعدت اداره معارف واقع شد

معلمین

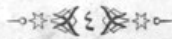
مدرسه متوسطه اصفهان در سال چهارم تأسیس بجذبت آقایان معلمین محترم بتاسیس کلاس ششم علمی موفق شده تحصیلات این کلاس مهم بخوبی

→ ❄ ❄ ❄ ❄ ❄ →

خاتمه یافت و از بازده نفر محصل ده نفر باخذ دیپلوم شش ساله متوسطه نائل گشتند
مدرسه متوسطه اصفهان بواسطه معلمین عالم و لایق ذیل همیشه تعلیماتش مذبین
معنوی و باعث سرفرازی نوده - رؤسای مدرسه قدر زحمات ایشان را دانسته
تشکر می نمایند.

اسم	نام فامیلی	سمت
آقای میرزا علیخان مهندس	زاهدی	معلم و باضیات دوره دوم متوسطه
آقای میرزا نصیرالدین	خواجوی نوری	• تاریخ - جغرافی - انگلیسی
آقای میرزا غلامحسینخان	زیرک زاده	• طبیبیات - فرانسه
آقای حاج میرزا باقر	امامی	• عربی - فقه
آقای میرزا جلال	همانی	• عربی - ادبیات
آقای رجیبلی خان	زینماز	• ورزش
آقای میرزا عبدالله خان	وزیرزاده	نقاشی

مخصوصاً آقایان زاهدی - زیرک زاده - همانی که از بر توکلات وجدینشان
معارف اصفهان بالاستحقاق باخذ دیپلوم شش ساله موفق شده و دیپلومه
های آن در هر مسابقه علمی سبقت چته اند



امتحانات

در تاریخ اول تیر بر حسب حکم نلکرافتی وزارت جلیله معارف آقایان ذیل بسمت عضویت هیئت امتحانه کلاس ششم دعوت شده امتحانات رسمی دوره دوم متوسطه شعبه علمی را با دقت و مراقبت کامل برای اولین دفعه (ولایات ایران) شروع و در یازدهم تیر خاتمه دادند

- ۱ - آقای نصرالملک حکمران اصفهان - یرکالو - مسیوناسی (مدیر مدرسه الیانس) -
ممتحن فرانسه (قرائت - املاء - اشاء - گرامر)
 - ۲ - آقای محاسب الدوله - آقای جناب - مسیوشویمات - ممتحن ریاضیات
(هندسه - دکریپتیو - جبر و مقابله - مثلثات میکانیک هیئت)
 - ۳ - آقای حاج شیخ محمد باقر نجفی - آقای مدیر اختر - آقای میرزا جلال
ممتحن ادبیات (انشاء - املاء - قرائت فارسی - عربی)
 - ۴ - آقای دکتر سید امین الله خان - مسیوبراسور - آقای میرزا غلامحسین خان
زیرک ممتحن طبیعیات (فیزیک - شیمی - تاریخ طبیعی)
 - ۵ - دکتر آکانور (روس قوبسول انگلیس) آقای میرزا نصیرالدین ممتحن
انگلیسی
 - ۶ - مسیوهاکوپ - آقای میرزا حسین ممتحن نقاشی
 - ۷ - آقای حاج سید سعید - آقای حاج شیخ محمد علی کرمانی - ممتحن فقه
 - ۸ - آقای احمدعلیخان رئیس نظمیة اصفهان ممتحن ژئمناستیک
- آقایان فوق الذکر مدت دو هفته اوقات شریف خود را صرف داشته با کمال

سختن تاریخ

شماره یازدهم - زمستان ۱۳۸۹

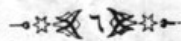
— ❖ ❖ ❖ ❖ ❖ —

دقت بامتحانات خاتمه دادند - در نتیجه آقایان محصلین ذیل بر حسب تصدیق هیئت محترم ممتحنین و اداره معارف اسفهان باخذ دیپلم موفق و نائل شده و آقای حشمة الله خان دهم رتبه اول را اجراء نمودند

ردیف	اسم	اسم پدر	نام فامیلی	شغل فعلی
۱	حشمة الله خان	آقای حاج میرزا سلیمانخان	دهم	معلم در مدرسه متوسطه اصناف و مدرسه عالی
۲	حاج علی رضاخان	حاج میرزا حسینخان	فاطمی	معلم در مدرسه متوسطه اصناف و مدرسه دولتی
۳	آقا محمد	مرحوم صدرالایام	میری	اداره تحصیلات
۴	ابوالقاسمخان	حاج میرزا سید علیخان	ناهدی	مدرسه صاحبمنصبان نظام
۵	رضاخان (۱)	آقای میرزا محمدعلیخان	صدری	خط همدمان طارق و شوارع
۶	رضاخان (۲)	میرزا فرج اللهخان	صدری	مدرسه صاحبمنصبان نظام
۷	ناصرقلیخان	عباسقلیخان	نسیبوند	مدرسه " " "
۸	اکبر میرزا	مرحوم نواب	صدوی	خط سمنان طارق و شوارع
۹	آقا کمال	آقای حاج سیدفخرالدین	رضوانی	معلم مدرسه متوسطه اسفهان و مدرسه فرهنگ (معلم سابق مدرسه گاهار)

میرزا تقی خان فاطمی که از محصلین میر کلاس ششم بوده در موقع امتحان بطهران مسافرت نموده با کلاس ششم مدرسه دارالمعلمین امتحان داد و بر حسب

وضعیت اوقاف در دوره قاجار با تکیه بر قوانین مجلس و...



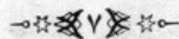
تصدیق آقای فروغی رئیس مدرسه بخوبی از عهده امتحان برآمده مورد تحسین و تمجید گشت و فعلاً در مدرسه متوسطه دولتی و مدرسه اصفهان بشغل تعلیم اشتغال دارند

در سال ۱۳۰۳ و ۱۰۳۴ امتحانات رسمی دوره اول متوسطه از طرف اداره معارف بعمل آمد

در سال ۱۳۰۳ از ۴۵ نفر کلیه عده داوطلبان ۲۵ نفر از مدرسه متوسطه بوده و از ۳۱ نفر کلیه عده قبولی ۲۱ نفر از مدرسه اصفهان قبول شده است در سال ۱۳۰۴ از ۳۲ نفر کلیه عده داوطلبان ۲۱ نفر از مدرسه متوسطه اصفهان بوده و از ۹ نفر کلیه عده قبولی ۸ نفر از مدرسه متوسطه بوده اند در ماه خرداد در تحت نظر هیئت ممتحنه مدرسه که از طرف حکومت جلیله دعوت شده بود امتحانات سالیانه بعمل آمد و رایورت آن بمقامات مربوطه ارسال شد

وزارت معارف

آنچه بیشتر موجب تشکر کارکنان مدرسه متوسطه است همراهی و مساعدتی است که از طرف آقای عماد الساطنه در حفظ و تأمین بودجه این مؤسسه علمی بعمل آمده چه در زمان وکالت پارلمان و چه در موقع تصدی وزارت معارف حقیقه از هیچ قسم مساعدتی نسبت بمعارف اصفهان مخصوصاً مدرسه متوسطه دریغ نداشتند و بالآخره در ضمن اصلاحاتیکه هنگام



وزارت در معارف اصفهان نمودند سالی یکم هزار دوست تومان از طرف دولت اعانه برای مدرسه متوسطه اصفهان منظور آورده بدین وسیله حیات و ترقی آئینه آنرا فایز نمودند

از جمله اصلاحات دیگر نرمیم اداره معارف اصفهان بود که به سرچ و مرج آن خانم داده بتوجه مخصوص ایشان با حسن وجه اصلاح شد

کتابخانه

کتابخانه مدرسه کافی السابق در جریان و مورد استفاده عامه بوده است
مدیر کتابخانه شرق طهران ۱۰ جلد کتاب از انتشارات خود را وقف نموده
مدیر کتابخانه طهران ۵ جلد " " "
کتابخانه معرفت ۴ جلد " " "
آقای مدیر مجله صحت ۱۰ جلد وقف نمود

مؤلفین محترم طهران نیز هر يك از كتب مولفه خود برای کتابخانه مدرسه ارسال داشتند از قبیل آقای رهنما آقای میرزا عبدالعظیم خان آقای وحید - آقای دشتی و غیره - آقای مدیر مجله ارمغان نیزه شماره از مجله خود را منظمأ برای محصلین مدرسه ارسال داشته اند

بعضی از محصلین نیز برای کمک با شاگردان بی بضاعت عدد کتاب کلاسی خریدند وقف نموده اند و بنا براین متجاوز از شصت جلد کتاب کلاسی و درمان بر کتابخانه مدرسه اضافه شده و فعلاً عدد کتب موقوفه تجاوز از ۶۱۰ جلد است

اعانه آقایان موجب تشکرات است.

ورزش - کلاسهای فنی

تربیت جسمانی و ورزشهای مختلف کافی السابق جزء اصول و اساس تعلیمات مدرسه بوده و با دقت مراقبت شده است کلاسهای فنی بغیر از نجاری (که بواسطه فقدان معلم عالم تعطیل شد) تماماً در جریان و عمل بوده است نوشتن مقالات - کنفرانس - تفریح و تفریح - ورزش و کار همیشه جزء وظائف اولیه محسوب بوده

اعضاء متولی نظار رئیس معارف مدیر مدرسه حکومت جلیله اصفهان تیمور میرزا مسعود مهدی ابراهیمی ضیاء جناب

حسنعلی هدایت

اصفهان مطبعه شرکت اتحاد

خلاصه و قفنامه مدرسه متوسطه اصفهان

بعدمحمد والصلوة حضرت مستطاب اقدس والا شاهزاده صادم الدوله وقف صحيح شرعي فرمودند تمامت وکليه ششداک یکباب عمارت معينه واقعه درباغ نو اصفهان ملکی خود را که تقریباً سه جریب ونیم است بانضمام همگی بکدرت باغ متصله بعمارت مرقومه را که آن نیز سه جریب ونیم وجملتان هفت جریب است

باجمیع توابع شرعیه بنام مدرسه متوسطه برای تحصیل علوم مشروعه متداوله مخصوصاً مسائل شرعیه با رعایت مقررات وزارت جلیله معارف و صیغه وقف جاری شد و تصرف وقف دادند و ایضاً وقف صحیح شرعی فرمودند تمامت و جملگی بکرشته فئات محمودیه واقعه در بلوک برزورد اصفهان که از آن اراضی و املاک محمودیه مشروب میگردد بانضمام کل ششداک یکباب طاحونه مائیه واقعه در ضلع فئات مزبور را باجمیع لواحق و توابع شرعیه بانضمام کل دکاکین و مستغلات معینه مشخصه واقعه در اطراف داخل و درون میدان نقش جهان را که همه ساله منافع و مداخل آنها بعد از وضع مخارج برقراری اعیان موقوفه بمصارف مدرسه متوسطه مرقومه برسد بشروط مقررده ده کانه ذیل

۱- تولیت موقوفات در هر عصری با حکومت اصفهان دارمندان عصر است و نظارت با اکبر اولاد ذکور مرحوم شاهزاده ظل السلطان طاب نرام که مقیم در اصفهان باشد در هر عصری و با ریاست معارف اصفهان در هر زمان و مدیر مدرسه متوسطه مزبوره که کلیه اعمال و تصرفات باستصواب آنها است

- ۲ - شخص متولی در هر عصری اهتمام کامل در حفظ اعیان موقوفه و وصول عایدات داشته باشد
- ۳ - شخص مدیر از اخص لایق بانفای آراء متولی و نظربین انتخاب میشود و قابل انفصال نخواهد بود مگر در صورت بروز وثبوت خیانت
- ۴ - ترتیب و تعلیم و تنظیم و طرز اداره مدرسه بمقدمه مدیریت است
- ۵ - متولی و مدیر و سایر نظار در آخر هر ماهی تمام محاسبات مدرسه را رسیدگی کرده در دفتر ثبت و امضاء مینمایند
- ۶ - در آخر هر سال جمع و خرج مدرسه بامضاء متولی و نظار منتشر
- ۷ - اعیان موقوفه باریات اعمالت اجاره داده شود و زائد بر مدت سه سال اجاره داده نشود
- ۸ - مخارج جمع اعیان موقوفه بر سایر مخارج مقدم است
- ۹ - هیئت نظار معامین لایق انتخاب و برای مدت معین اجیر مینمایند
- ۱۰ - هر متولی عملیات و امضاء متولی مافیل را محترم شمرده و واجب الاتباع میدانند

۲۶۴

درب خورشید	جنین علی قلیو	قیصریه	رو جوی
۴ اطاق	۲ اطاق	۶ دکان	۱۰ دکان
بازار لوازم	طاقهای باچوب است	مأثر	طاقهای معموره
۲۰ دکان	۲۱ اطاق	۲۳ اطاق	۱۴ اطاق
جمع ۲۰۰ اطاق	محل مهر و امضاء حکومت جلیله آقای امیر اقتدار	محل امضاء ریاست جلیله معارف آقای امید	محل امضاء شاهزاده تیمور میرزا
	محل امضاء مدیر مدرسه آقا ضیاء الدین		

سختن تاریخ

شماره یازدهم - زمستان ۱۳۸۹

۲۰۴

وزیرینستراک اوقاف
شماره ۱۳۲۵
تاریخ ۱۳۲۵
شماره ۱۳۲۵

بخدمت حضرت صاحبزاده و محترم شیخ عالی در دست آید بدم سرور برآید...
بر سر و در پیش نیت که در پیش حضور در زمان حرمه خدا کلمات توفیق است...
که در نیت آن...
...
(۱)

...
...
...

۱۳۲۸

۱۳۲۸

بیت محمد بن ارفف

بیت رقم سار ذریعہ ذلک و در ذلک...

لندن جات غور...

مجموع الام...

تخت...

مجموع...

نہ...

بالہ...

و...

ب...

د...

ب...

Handwritten notes in the right margin.

Handwritten notes in the right margin.

Handwritten notes in the right margin.

سخن تاریخ

شماره یازدهم - زمستان ۱۳۸۹

۲۰۶

تاریخ ۱۵ شهریور ۱۳۰۱
 اسم نویسنده صادره

وزارت معارف و اوقاف

شماره کتاب ثبت	۵۶۲
کتاب	دوسیه
ذکر غرض قبل	
اداره	

ارسال در سابق
 شماره ۲۱

تاریخ ۱۳۰۱

مجلس شورای عالی معارف و اوقاف
 در خصوص تقاضای معارف و اوقاف
 این وزارت معارف و اوقاف
 غرض از جهت اداری که اوقات
 خدمت آن دولت و معارف معروض
 که تکلیف میاید که مکرر فائده شده
 و اطلاع حکومت فایده نماید که در دفتر شرح
 این دفتر را ارائه نام مرافقه نیز میاید و شعبه آن را
 با احوال معارف و اوقاف در آن مکرر در آن تکلیف
 وزارت معارف و اوقاف

وضعیت اوقاف در دوره قاجار با تکیه بر قوانین مجلس و...

تاریخ ۱۳ شهریور ۱۳۲۹

صاحب
مجلس شورای اسلامی

مبارک و اوقاف و فواید عامه

اداره کل اوقاف

شماره اندوخته ۲۹۹۳

کتاب ۱۱

صفحه ۲۹۹۳

تاریخ ۱۳ شهریور ۱۳۲۹

سند و قلم حرم حضرت عباس علیه السلام در روز شنبه مورخه ۱۳ شهریور ۱۳۲۹
تبع موقوفات اوقاف و فواید عامه در روز شنبه مورخه ۱۳ شهریور ۱۳۲۹
موقوفات اوقاف و فواید عامه در روز شنبه مورخه ۱۳ شهریور ۱۳۲۹
و سایر موقوفات اوقاف و فواید عامه در روز شنبه مورخه ۱۳ شهریور ۱۳۲۹
موقوفات اوقاف و فواید عامه در روز شنبه مورخه ۱۳ شهریور ۱۳۲۹
و سایر موقوفات اوقاف و فواید عامه در روز شنبه مورخه ۱۳ شهریور ۱۳۲۹
موقوفات اوقاف و فواید عامه در روز شنبه مورخه ۱۳ شهریور ۱۳۲۹
و سایر موقوفات اوقاف و فواید عامه در روز شنبه مورخه ۱۳ شهریور ۱۳۲۹
موقوفات اوقاف و فواید عامه در روز شنبه مورخه ۱۳ شهریور ۱۳۲۹
و سایر موقوفات اوقاف و فواید عامه در روز شنبه مورخه ۱۳ شهریور ۱۳۲۹

مجلس شورای اسلامی
تاریخ ۱۳ شهریور ۱۳۲۹

وضعیت اوقاف در دوره قاجار با تکیه بر قوانین مجلس و...

۱۳۲۹
مهرماه

دولت
۵ شهریور ۱۳۲۹
۲۶۵۹

وزارت صنایع و معادن

احمد علی محمدیان صدر مصفوفان املک در مصفا و دشت و قف

در ملک تپه و از زمین هزار تنان عایر سردار بهیسه و تصرف

دولت در مرام علی سید مصفوفان مصفوفان ناصر علی سردار مصفوفان

علی سردار محمدیان و خات دارند و نام عایر سردار و

صرف نزد گانه خود صدقند و بهر لول و قف نام میکنند

چون از وزارت اوقاف در مصفوفان تا نیت مصفوفان

طرح صادره که رئیس عدلیه مصفوفان با حضور آقای صدر

و قف عدل الدین و سایر مرام مرام سردار در مصفوفان

و در مصفوفان متولد متولد است را کجا بهر قف نام بردند

نام سازه و متولد وقت نامش میکنند که از در قف نام

Handwritten notes and signatures on the right side of the document, including a circular stamp.

وضعیت اوقاف در دوره قاجار با تکیه بر قوانین مجلس و...

تاریخ ۲۳ شهریور ۱۳۲۹



وزارت معارف و اوقاف و فوائد عامه

اداره کل اوقاف

جناب آقای میرزا میرزا محمد علی...

نمره اندیکاتور	۲۹۵۹
کاربن	دو سه
تاریخ قیام	

خروج ۲۳ شهریور

مربی فقه در در اسفند و در این آیه فتنه است...
 در این خصوص...
 صدور تصرف

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 برتال جامع علوم انسانی

سختن تاریخ

شماره یازدهم - زمستان ۱۳۸۹

در خصوص لغات در خواجه نصیر از وزیر علم اوقاف و منتهی در هر دو کتب موسوم لغات و لغات
 او که ما را به او آورده اند از آنجا که در این کتابها که در هر دو کتب موسوم لغات و لغات
 از لغات و لغات که در این کتابها که در هر دو کتب موسوم لغات و لغات
 است که در این کتابها که در هر دو کتب موسوم لغات و لغات
 است که در این کتابها که در هر دو کتب موسوم لغات و لغات
 است که در این کتابها که در هر دو کتب موسوم لغات و لغات
 است که در این کتابها که در هر دو کتب موسوم لغات و لغات
 است که در این کتابها که در هر دو کتب موسوم لغات و لغات
 است که در این کتابها که در هر دو کتب موسوم لغات و لغات



حضرت امیر علمای کابل در آن تاریخ صدر المودت داشتند که ازین جهت سر و سر برین تاریخ و روز در آن روز
 موقوفه تاریخ فقیر صدر المودت را در آن تاریخ در آن تاریخ در آن تاریخ در آن تاریخ در آن تاریخ در آن تاریخ
 خود را در آن تاریخ در آن تاریخ در آن تاریخ در آن تاریخ در آن تاریخ در آن تاریخ در آن تاریخ در آن تاریخ
 در آن تاریخ در آن تاریخ در آن تاریخ در آن تاریخ در آن تاریخ در آن تاریخ در آن تاریخ در آن تاریخ
 صورت مخرج علم ادان فراز در آن تاریخ در آن تاریخ در آن تاریخ در آن تاریخ در آن تاریخ در آن تاریخ
 از آن تاریخ در آن تاریخ در آن تاریخ در آن تاریخ در آن تاریخ در آن تاریخ در آن تاریخ در آن تاریخ
 بان ادان علمیه مشهور و مشهور که در آن تاریخ در آن تاریخ در آن تاریخ در آن تاریخ در آن تاریخ در آن تاریخ
 علم تاریخ علمیه مشهور و مشهور که در آن تاریخ در آن تاریخ در آن تاریخ در آن تاریخ در آن تاریخ در آن تاریخ
 علم ادان در آن تاریخ در آن تاریخ در آن تاریخ در آن تاریخ در آن تاریخ در آن تاریخ در آن تاریخ در آن تاریخ
 کسر دین ادان علمیه مشهور و مشهور که در آن تاریخ در آن تاریخ در آن تاریخ در آن تاریخ در آن تاریخ در آن تاریخ
 این تاریخ در آن تاریخ در آن تاریخ در آن تاریخ در آن تاریخ در آن تاریخ در آن تاریخ در آن تاریخ
 مورد تاریخ مابعد صدر و الفات تاریخ با این تاریخ در آن تاریخ در آن تاریخ در آن تاریخ در آن تاریخ در آن تاریخ
 و اتمیات تاریخ را با این تاریخ در آن تاریخ در آن تاریخ در آن تاریخ در آن تاریخ در آن تاریخ در آن تاریخ در آن تاریخ

ورودی دفتر اوقاف
 ۱۵ شهریور ۱۳۲۹
 شماره ۴۰۰۰

سختن تاریخ

شماره یازدهم - زمستان ۱۳۸۹

طهران - تاریخ مرقع ۱۳۳۳
 اسم نویسنده - صادره - شماره - منبیه - لاد



وزارت معارف و اوقاف

نمونه کتاب ثبت	۲۹۷۸
کارتن	دوسیه
ذکر نمرة قبل	
اداره	

ارسال در ساعت
 خروج

بسم الله الرحمن الرحيم
 این کتاب در تاریخ ۱۳۳۳ در تهران
 در کتابخانه وزارت معارف و اوقاف
 ثبت گردید و شماره ثبت آن
 ۲۹۷۸ می باشد.
 نویسنده: ...
 مترجم: ...
 ناشر: ...
 تهران ۱۳۳۳

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی



وزارت معارف و اوقاف

اداره اوقاف

سواد معارف و اوقاف

تاریخ ۱۳۳۳

شماره ۲۹۷۸

نمره ثبت دفتر

سازمان معارف و اوقاف

حسب الامر و حکم خودم و حکم معتمدین و علمای شایسته و با اید پرست فرین فی حدیث است که اولاً از تمام بلاد و ولایت
 اوقاف که در این وقت میسر شد از تمام بلاد و ولایت که در این وقت میسر شد از تمام بلاد و ولایت که در این وقت میسر شد
 و نیز در این وقت میسر شد از تمام بلاد و ولایت که در این وقت میسر شد از تمام بلاد و ولایت که در این وقت میسر شد
 مستغنی است از سایر اوقاف که در این وقت میسر شد از تمام بلاد و ولایت که در این وقت میسر شد
 پس از این وقت میسر شد از تمام بلاد و ولایت که در این وقت میسر شد از تمام بلاد و ولایت که در این وقت میسر شد
 حسب الامر و حکم خودم و حکم معتمدین و علمای شایسته و با اید پرست فرین فی حدیث است که اولاً از تمام بلاد و ولایت
 اوقاف که در این وقت میسر شد از تمام بلاد و ولایت که در این وقت میسر شد از تمام بلاد و ولایت که در این وقت میسر شد
 و نیز در این وقت میسر شد از تمام بلاد و ولایت که در این وقت میسر شد از تمام بلاد و ولایت که در این وقت میسر شد
 مستغنی است از سایر اوقاف که در این وقت میسر شد از تمام بلاد و ولایت که در این وقت میسر شد
 پس از این وقت میسر شد از تمام بلاد و ولایت که در این وقت میسر شد از تمام بلاد و ولایت که در این وقت میسر شد

تاریخ ۱۳۳۳

شماره ۲۹۷۸

سختن تاریخ شماره یازدهم - زمستان ۱۳۸۹

نمبر ثبت دفتر



وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

اداره کل اوقاف

سواد سفیران بیت و بیت و بیت و بیت ۱۱ آذر ۱۳۵۷

تاریخ

تمام نسخ هاد است

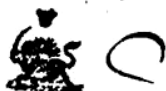
لا محمد وکیل دادگه / ۱۳۰۰۰ آردن وزارت جنبه زمین داران پسران اسطغان در نیمه بیت مرتبه
 به اصرار بعضی شادانیه داران و کلمات بحاکم بدهم قلمه کتبه و کله تطهیر بعضی اعضا کتبه و کله
 در اجراء حرکت برین کله در شرطیه صرف / ۱۳۰۰۰ آردن قیمت حرارت علامه کتبه کتبه
 در سایر کتله سلامت بعضی کتله بر علیه ندرن و بعضی کتله کتله کتله کتله کتله کتله
 هیچ کتله کتله کتله کتله کتله کتله کتله کتله کتله کتله کتله کتله کتله کتله کتله کتله کتله
 و کتله در بعضی کتله کتله کتله کتله کتله کتله کتله کتله کتله کتله کتله کتله کتله کتله کتله کتله کتله

۱۳۴۸ سلطان زاده
 رتال جامع علوم انسانی
 رتال جامع علوم انسانی
 رتال جامع علوم انسانی

سخن تاریخ

شماره یازدهم - زمستان ۱۳۸۹

جمهوری دولت علیه ایران



وزارت داخله

کارتی	دو
ذکر فرهای قبل ۹۰ لا ۹۰	
شعبه تجویزات عورت شماره ۱۰۰۰	
ارسال در ماه ۹۹	

۱۳۹۹

۱۹ دی ۱۳۳۹

اسم نویسنده

کتاب و جلد شماره

راج باقرات در علم نجوم و توکل که نسبت ادویه

از آثار مرگه لغت از کتاب گزیده شرح قیام از علمای

بزرگواران در علم نجوم و توکل که نسبت ادویه

نسخه و شماره کتاب که نسبت به قیام از علمای

در وزارت علوم انسانی

پرتال جامع علوم انسانی

سختن تاریخ

شماره یازدهم - زمستان ۱۳۸۹

جمهوری دولت علیه ایران



وزارت داخله

شماره پرونده	۱۷۱۷۲ / ۹۹
کارتن	دو
ذکرهای قبل	
شعبه تحریکات	ضمیمه

ارسال در ساعت ۹۹

طهران
اسم نویسنده

۱۳۲۹
شماره ۱۹
تاریخ تاریخ ۱۳۲۹
صادر شده

در تاریخ ۱۳۲۹ در وقت دفع

رئیس رتبه ۹۹۸۸

فولاد علی محمد زینب، اداره اوقاف

نوشته شده در دفتر اوقاف

خان سفید در وقت دفع

اداره اوقاف، ملا علی محمد زینب

شورای عالی علم و ادب

در وقت دفع

مدار عالی

انظر

وضعیت اوقاف در دوره قاجار با تکیه بر قوانین مجلس و...

۱۳۲۸

کتابخانه مجلس شورای اسلامی
۱۳۲۸

بیت محمد زلف

بیت محمد زلف در...

در این بیت...

محمد زلف...

محمد زلف...

محمد زلف...

محمد زلف...

محمد زلف...

محمد زلف...

محمد زلف...

محمد زلف...

۱۳۲۸

۱۳۲۸

۱۳۲۸

۱۳۲۸

وضعیت اوقاف در دوره قاجار با تکیه بر قوانین مجلس و...

تاریخ ۱۵ اسفند ۱۳۱۱
 اسم نویسنده صادره وزارت معارف و اوقاف



نمبر کتاب ثبت	۴۵۹۲
کارتن	دوسید
ذکر غره قبل	
اداره	

ارسال درصاف
 خروج ۲۱

وزارت معارف و اوقاف

مجلس شورای عالی معارف و اوقاف
 در خصوص ترمیم و تکمیل کتابخانه
 این وزارت معارف و اوقاف و رفع ایراد در کار
 خرد این وزارت معارف و اوقاف
 حضرت سید و فرزند شایسته معارف و اوقاف
 که تکلیف میاید که کارخانه ترمیم و تکمیل
 در طرح حکومت غرض نماید که در دفتر شرح مهم
 این دفتر در ارائه تمام مراتب غیر متعارف و طبقه اول را در اول
 با مواد حکم صادره از آن مختار در آن در آن تا تکلیف ای
 وزارت معارف و اوقاف

سخن تاریخ

شماره یازدهم - زمستان ۱۳۸۹



وزارت معارف و اوقاف و فراغت

اداره کلی اوقاف

نمبر کتاب ثبت	۱۲۱۹
جزوه کنس	جزوه
نمبر جای قبل	۱۱۹۵
شعبه	تردد
تاریخ خرید	مهر ماه ۱۳۳۳

بمبند

خداوند مهربان را شاکریم

بسم الله الرحمن الرحیم

خداوند مهربان را شاکریم که در این راه ما را یاری فرماید و ما را به هدایت خود برساند. این کتاب را به عنوان هدیه به شما عزیزان تقدیم می‌کنیم. امید است که این کتاب در راه پیشرفت و توسعه کشور ما به شما عزیزان کمک کند. این کتاب را به شما عزیزان تقدیم می‌کنیم. امید است که این کتاب در راه پیشرفت و توسعه کشور ما به شما عزیزان کمک کند.

وضعیت اوقاف در دوره قاجار با تکیه بر قوانین مجلس و...

تاریخ عمر شهر ۱۳ ۲۸ ۵۵



وزارت معارف و اوقاف و فراید عامه
اداره کل اوقاف

صفحه
۵۵ حدیث بیستم

۱۷۲۲	نمبره اندیکاتور
	کارتین
	دوبه
۱۳۱۹	نمبره های قبل
۵۵	شماره

در باب سرگذشت...
 در زمان...
 در زمان...
 در زمان...
 در زمان...
 در زمان...
 در زمان...
 در زمان...
 در زمان...
 در زمان...

در زمان...
 در زمان...
 در زمان...
 در زمان...
 در زمان...
 در زمان...